

شرایط اجتماعی و گفتمان‌های روشنفکری در آستانه

انقلاب مشروطه

حسن سرایی، نوروز هاشم‌زهی

این مقاله در پی تحلیل گفتمان مسلط روشنفکری و مطالعه تأثیر شرایط داخلی و خارجی جامعه ایران در شکل‌گیری اندیشه‌های روشنفکری آستانه انقلاب مشروطه است. محدوده تاریخی تحقیق، ۱۲۷۰-۱۲۸۸ هـ ش را دربر می‌گیرد. ویژگی‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه در قالب شرایط داخلی و تأثیرات فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی-اقتصادی غرب تحت عنوان شرایط بین‌المللی مورد بحث قرار گرفته‌اند.

اندیشه‌های روشنفکری یا مفهوم گفتمان دسته‌بندی شده‌اند. اطلاعات از دو طریق به دست آمده است: نخست مطالعه اسنادی منابع علمی و تاریخی درباره اوضاع و احوال جامعه آستانه انقلاب مشروطه ایران و دوم تحلیل محتوای کتب و کیفی ویژگی‌های گفتمان مسلط انقلاب مشروطه. در آستانه انقلاب مشروطه ۳۸ شماره از روزنامه قانون میرزا ملک‌خان برای تحلیل محتوای گفتمان مسلط انتخاب شده است.

براساس یافته‌ها، اولاً میان شرایط مختلف جامعه آستانه انقلاب مشروطه و گفتمان مسلط ارتباط وجود دارد. ثانیاً برخی از ویژگی‌های گفتمان مسلط دارای همبستگی درونی هستند. ثالثاً بسیاری از ویژگی‌های گفتمان مسلط با متغیر زمان دارای رابطه معنادار است. بنابراین، گفتمان مسلط بر انقلاب مشروطه را می‌توان به آینده‌ای تشبیه کرد که در آن شرایط جامعه، مشکلات و راه‌حل‌ها منعکس شده‌اند.

مقدمه

طرح مسئله: اندیشه روشنفکری در ایران شاخه‌های مختلفی داشته است. در هر دوره تاریخی آراء و اندیشه‌های روشنفکرانه خاصی برجستگی بیشتری پیدا کرده‌اند. شکل و محتوای تغییر یافته این آراء در زمانی دیگر تحوّل را نشان می‌دهد. اکنون این پرسش مطرح است که گفتمان مسلط روشنفکری در آستانه انقلاب مشروطه چگونه شکل گرفت.

به لحاظ نظری تحلیل رابطه شرایط و اندیشه‌ها در قلمرو علم معرفت‌شناسی قرار دارد و تحقیقات نشان می‌دهد بیشتر معرفت‌شناسان هیچ‌یک از این عوامل را کاملاً تابع دیگری قرار نداده بلکه اهمیت هر دو را پذیرفته‌اند، هر چند تأکیدشان بر هر یک از این عوامل متفاوت بوده است. (لاور، ۱۳۷۳: ۱۱۳).

ماهیت آن چه در این مقاله «گفتمان روشنفکری» نامیده می‌شود، قالب فکری روشنفکران ایرانی برای تبیین مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. مسئله پیشرفت و ترقی ایران موضوع ثابت گفتمان مسلط بر انقلاب مشروطه و سایر گفتمان‌های فرعی است اما راه‌حل‌های ارائه شده از سوی هر اندیشه، مختلف است.

«گفتمان روشنفکری» مورد نظر معرفتی است که به نقد وضع موجود و حتی ایدئولوژی‌های موجود می‌پردازد و تقریباً خواهان تغییر آن‌ها است. حال این که ایدئولوژی به مفهوم مارکسیستی حافظ وضع موجود است. گفتمان روشنفکری برخلاف ایدئولوژی (به معنای مثبت) که ادعای حقیقت بالایی دارد، آن قدر هم ادعای حقیقت ندارد. گفتمان روشنفکری از این جهت که اهداف و روش‌های جدیدی ارائه می‌دهد و در پی تغییر معرفت قبل از خود است، به «ناکجا آباد» نزدیک می‌شود، اما شدت آرمان‌گرایی «ناکجا آباد» را نداشته و بر واقعیت اتکای بیشتری دارد.

منظور از «شرایط» معنای عام مدنظر است که شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در یک دوره و به علاوه شرایط تأثیرگذار بین‌المللی بر جامعه را دربر می‌گیرد. از میان هر دسته شرایط پاره‌ای از مؤلفه‌ها انتخاب و بررسی شده‌اند. سایر شرایط برگرد این مؤلفه‌ها می‌چرخند. در واقع این شرایط به عنوان زمینه‌هایی در نظر گرفته شدند که در مقطع انقلاب در نارضایتی عمومی و بسیج سیاسی نقش ایفا کردند.

«روشنفکر»ی که اندیشه او به منزله گفتمان بررسی می‌شود فردی است که در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فلسفی خلاقیت داشته، به تولید فکر پرداخته، اندیشه خود را برای عملی شدن برخی دگرگونی‌ها و حل مشکلات جامعه عرضه کرده و به نقد وضع موجود می‌پردازد و ضمناً تا حدودی استقلال شغلی از نظام سیاسی دارد.

ضرورت‌ها: مطالعه رابطه متقابل شرایط اجتماعی و گفتمان‌های روشنفکری از چند جنبه اهمیت دارد. شناخت انقلاب‌ها و دگرگونی‌ها نیازمند شناخت اندیشه‌های روشنفکرانه مقارن با انقلاب است. در دگرگونی‌های جوامع توسعه‌نیافته روشنفکران برای گروه‌هایی در برخی زمینه‌ها، به‌عنوان گروه مرجع، بودند، این مرجع بودن در آینده نیز ادامه خواهد داشت. نقش اندیشه‌های روشنفکرانه روی تغییرات اجتماعی در آینده جامعه بیش از گذشته خواهد بود.

ادبیات موضوع: در دایرةالمعارف بین‌المللی علوم اجتماعی مطالبی به قلم ادوارد شیلز (۱۹۶۸) به این مبحث اختصاص یافته که ارتباط زیادی به موضوع این مقاله دارد. تعریف روشنفکر، قشر یا طبقه روشنفکر، نهاد‌های زندگی روشنفکری، اقتدار اجتماعی و سنت‌های روشنفکری و کارکردهای روشنفکران مهم‌ترین محورهای مباحث شیلز را تشکیل می‌دهند. ما نهایتاً نیز ایدئولوژی و اوتوپیا را به شرایط و ساختارهای اجتماعی ربط داده که از این نظر به نگاه ما در این تحقیق نزدیک است. محققان داخلی با ملاک‌های متعددی به گونه‌شناسی اندیشه‌های روشنفکری آستانه انقلاب مشروطه و سده‌های اخیر ایران پرداخته‌اند. این تقسیم‌بندی‌ها اشکالات اساسی دارد. برخی میان روشنفکری دینی و غیردینی تفکیک قائل نشده‌اند. به‌علاوه اندیشه‌های روشنفکری قبل از پیروزی انقلاب مشروطه را با اندیشه‌های پس از آن تا دوره رضاشاه در یک دسته قرار داده‌اند (حجاریان، ۱۳۷۶: ۲۳-۳۶). همچنین کمتر به دغدغه‌های اصلی روشنفکری توجه شده است (آشتیانی، ۱۳۶۷: ۸۷). حال این‌که درگیری اصلی فکری روشنفکران در عصر مشروطه، مسئله پیشرفت و ترقی جامعه بوده است. اشکال دیگر گونه‌شناسی‌ها تفکیک نشدن سنت‌های دینی از سنت‌های غیردینی است. نه تنها روشنفکری دینی با روشنفکری غیردینی و سنت‌های مذهبی با سنت‌های ملی یکسان نیست بلکه در درون هر حوزه نیز جریان‌اتی فرعی قابل تشخیص است. اساسی‌ترین مشکل تقسیم‌بندی‌ها این است که هرکدام برای مقوله‌بندی از مفاهیم مختلفی استفاده کرده‌اند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۰: ۲۵).

روش تحقیق: در این‌جا نوع تحقیق مقایسه‌ای است که با روش اسنادی و تکنیک تحلیل محتوا انجام می‌شود. ابتدا یافته‌های حاصل از کاربرد روش اسنادی درباره شرایط اجتماعی و گفتمان‌های روشنفکری ارائه می‌شود و در مباحث بعد ارزیابی و ویژگی‌های اندیشه برخی روشنفکران به‌مثابه گفتمان مسلط با روش تحلیل محتوا مطرح می‌شود.

شرایط آستانه انقلاب مشروطه

شرایط اجتماعی: جمعیت شهری در فاصله ۱۱۷۹ تا ۱۲۹۳ ش. دو برابر شد، اما درصد جمعیت ایلی به کل جمعیت کاهش داشت (فوران، ۱۳۷۷: ۱۸۳-۱۸۵). بازاریان در جمعیت شهری از اهمیت برخوردار بودند و میان آنان با دولت و سرمایه‌داران خارجی در ایران تضادهایی به وجود آمد (همان: ۱۹۵). بازاریان از نظر اقتصادی به اندازه سران ایل و زمینداران حاکم بر جامعه ثروت داشتند ولی از نظر سیاسی در ردیف سایر قشرهای تابع و فرمانبردار جامعه شهری بودند. گسترش شهرنشینی به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر مسئله خدمات و نیازهای شهری را با خود به همراه آورد و مسئولیت‌هایی را متوجه حکومت کرد. شهرنشینی تأثیرات زیادی بر ساختار مناسبات تولیدی و اقتصادی به جای گذاشت و باعث گسترش کار ویژه حکومت گردید و به دلیل افزایش شمار حقوق و مستمری‌بگیران درباری، ساختار و حجم بوروکراسی دولتی به طور منظم گسترش یافته و پیچیده‌تر شد، و در نتیجه هزینه‌های حکومت را افزایش داد، حکومت برای تأمین نیازهای مالی مجبور به اخذ بیشتر مالیات از مردم و اجاره پست‌ها و مناصب حکومتی، به مزایده‌گذاران درآمدهای ولایات، اجاره زمین‌های دولتی، خالصه‌جات و بیوتات سلطنتی، وضع تعرفه و اخذ گمرک از صادرات و واردات کالا، اخذ وام و قرض از منابع خارجی و تجار داخلی، و بالأخره واگذاری امتیاز به اروپاییان شد (زیباکلام، ۱۳۷۷: ۲۱۳-۲۱۴). این سیاست‌ها و درکنار آن بالا رفتن آگاهی مردم سبب تغییر و تحول در زندگی و بالا رفتن نارضایتی گردید. در اواخر دوره قاجار عنصر آگاهی به‌ویژه آگاهی سیاسی به وجود آمد، این آگاهی در مناطق شمالی ایران محسوس بوده است.

شرایط سیاسی: نوع رژیم سیاسی در این دوره، سلطنتی و استبدادی بوده به طوری که مشخصه اصلی آن تمرکز قدرت و تصمیم‌گیری در دست یک فرد است. در آستانه انقلاب مشروطه شاه از قدرتی پر دامنه و مطلق‌العنان برخوردار بود. اعلام جنگ و صلح، بستن پیمان، واگذاری تیول، اعطای مناصب و تعیین وصول مالیات با شاه بود. او بالاترین مقام قضایی کشور محسوب می‌شد. شاه می‌توانست نسبت به مال و منال هریک از شهروندان ادعا داشته باشد. این اختیارات تا پایین‌ترین سطوح دولت امتداد و بازتاب می‌یافت. در سال ۱۲۷۰ ش. ده وزارتخانه در ایران مشغول فعالیت بود که در عمل همه در تبعیت شاه قرار داشتند (فوران، ۱۳۷۷: ۲۱۴). از نظر آبراهامیان شاهان قاجار هرچند قدرت داشتند اما این قدرت را با سیاست تفرقه‌بینداز و حکومت‌کن و تأکیدهای اسلامی مبنی بر اطاعت از حق الهی پادشاهان اعمال می‌کردند (آبراهامیان، ۱۳۷۶: ۱۸).

ماهیت استبدادی قاجار به گونه‌ای بود که محققان اروپایی آن را مستبدانه‌ترین سلطنت‌های

عالم ذکر کرده‌اند. زمانی که ملکم در اوایل قرن سیزدهم محدودیت‌های قانونی شاه بریتانیا را بر شاه ایران توضیح داد، شاه جواب داد: «پس این شاه تو بیش از قاضی القضاات نیست. چنین اختیارات محدودی شاید دوام یابد اما هیچ لطفی ندارد، اما من می‌توانم همه این اعیان و اشراف را که دور و برم می‌بینی به اوج ببرم یا به مذلت افکنم» (همان: ۴۳).

در پاسخ به شکواییه و درخواست دادرسی و احقاق حق و احیانا نظر و رأی مردم اطراف و اکناف، تکیه کلام و یا دستخط ناصرالدین شاه این بود: «فضولی موقوف»، «تعیین حکومت به میل رعیت نیست»، «رعایا حق این‌گونه عرایض را ندارند»، «فضولی است»، «به تو چه ربط دارد، ولایت حاکم دارد» (آدمیت و هما ناطق، ۱۳۵۶: ۳۷۸).

عدالت رکن حیات یک نظام سیاسی است و تبعیض مقابل آن، بدیهی است عدالت با ساختار سیاسی استبدادی سازگاری ندارد، چراکه وقتی یک فرد قدرت مطلقه داشته باشد قدرت تعریف قانون، عدالت و حق را نیز خواهد داشت. تبعیض نژادی و تبعیض جنسیتی دو مصداق روشن تری عدالتی در دوره قاجاریه بوده است. حق انتخاب همسر، حق رأی، حق تحصیل، حق شغل خارج از منزل و حق وزارت و حکومت از زنان گرفته شده بود (آدمیت و هما ناطق، ۱۳۵۶: ۱۵۷-۱۵۹).

در آستانه انقلاب مشروطه حکومت از داشتن نیروی نظامی قوی عاجز بود. سپاه جنگی در اواخر دوره قاجاریه نه سپاه صفویه و نه سپاه آقا محمدخان بود، بلکه به علت دگرگونی‌های چندی از جمله شکست در جنگ‌های ایران و روسیه بسیار تضعیف شده بود (ابوالحمد، ۱۳۷۶: ۵۰۵-۵۱۴). کهنه سپاهی هم که وجود داشت بیشتر بودجه دولتی را می‌بلعید. ناصرالدین شاه زمانی گفته بود «نه ارتشی دارم و نه مهماتی که در اختیار ارتش بگذارم». (فوران، ۱۳۷۷: ۹۱۶). قاجارها، در اواخر، جنگاوران صحرائشین خود را در میان جمعیت شهرنشین از دست دادند و در عوض چیز چندانی به دست نیاوردند.

بحران‌ها و ضعف در اداره جامعه از دیگر مؤلفه‌های شرایط سیاسی جامعه در آستانه انقلاب مشروطه است. از مهم‌ترین این بحران‌ها، بحران مالی، فقر و بی‌کاری و بحران قومی را می‌توان نام برد. شاهان قاجار برای درمان بحران‌های مالی مختلف، مقام‌ها و مناصب حکومت ایالات، ضرابخانه و گمرک را به مزایده می‌گذاشتند و هرکس پول بیشتری می‌داد، حکومت این مناطق را تصاحب می‌کرد. برندگان این مسابقه از طریق مالیات‌های مختلف کسب درآمد می‌کردند و به نوبه خود ولایات را به مناطق کوچک‌تری تقسیم کرده و به مزایده می‌نهادند. بار سنگین همه این مزایده‌ها و هزینه‌ها، در نهایت بیشتر بر دوش پایین‌ترین قشر جامعه می‌افتاد (همان: ۲۱۵). در سال ۱۲۷۱ ش. دولت برای پرداخت غرامت به صاحب امتیاز تنباکو ناچار به استقراض خارجی

شد (آدمیت و هما ناطق، ۱۳۵۶: ۲۱۸). از دید آبراهامیان (۱۳۷۷) در این دوره، همچنین اختلافات و رقابت‌های قومی، قبیله‌ای، عشایری و مذهبی در شهرها و روستاها باعث تضعیف هویت طبقاتی و آگاهی طبقاتی می‌شد.

شرایط اقتصادی: در بررسی شرایط اقتصادی به این مهم پرداخته می‌شود که آیا اقتصاد روند انحطاط را طی کرده و یا در سرآغاز روند تجدید بوده است؟ آیا سطح زندگی مردم (سطح و کیفیت مصرف) بهبود یافته و یا بدتر شده است؟

بین سال‌های ۱۲۷۹ تا ۱۲۸۹ ش. کشاورزی در اقتصاد کشور ادغام شد و روابط بازرگانی گسترش چشمگیری پیدا کرد (فوران، ۱۳۷۷: ۱۸۵-۱۸۷). در نتیجه محصولات کشاورزی معیشتی و پولی هر دو محدودیت‌هایی داشتند و هریک دیگری را محدود می‌کرد. ادغام اقتصاد ایران در بازارهای جهانی، آمیزه‌ای از نتایج مثبت و منفی برای کل اقتصاد و برای طبقه‌های گوناگون دست‌اندرکار بخش کشاورزی به دنبال آورد. یکی از پیامدها، تحوّل در زمینه مالکیت خصوصی و پیدایش ملک‌دارانی بود که املاکشان نه تنها خصوصی، بلکه بسیار پهناور بود (اشرف، ۱۳۵۹: ۵۲-۵۶). در فرآیند ارزیابی بهبود یا وخامت سطح زندگی دهقانان ایرانی در این دوره، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد، اما نظر موافقین وخامت سطح زندگی دهقانان، بر نظر مخالفین غلبه دارد.

بخش صنعت و معدن نیز توسعه نیافته بود. بخش خدمات بسیار محدود و ضعیف بود، حتی بسیاری از صنایع به دست کارگران خارجی اداره می‌شد. مجموع کارگران این دوره در صنایع جدید، خدمات و صنایع دستی و سنتی را حدود ۱۵۰ هزار نفر برآورد کرده‌اند. (فوران، ۱۳۷۷: ۲۰).

شرایط فرهنگی: پایین بودن سواد و آگاهی‌ها، قومی و عشایری بودن بافت فرهنگ و چالش دو قدرت دینی و سیاسی از مهم‌ترین شرایط فرهنگی آستانه انقلاب مشروطه است. خویشاوندگرایی، روحیه ستیزه‌جویی، توجه به بقا و بسط عشیره از مهم‌ترین ویژگی‌های فرهنگ عشایری این دوره است. روی آوردن به فرهنگ سیاسی جمع‌نگری، منافع ملی، نهادی رفتار کردن، برتری استدلال به تملق و اهمیت شوکت نسبت به حفظ قدرت، در فرهنگ سیاسی دوره مشروطه تحقق پیدا نکرد. تا زمان مظفرالدین‌شاه دولت در اداره مدارس و دبستان‌ها و ساخت و ساز آن‌ها مشارکت نداشت (کسروی، ۱۳۶۵: ۳۸-۳۹).

روحانیت در اواخر دوره قاجار سخت از اقدامات شاهان انتقاد و با آن مخالفت می‌کردند و آن‌ها را در مرز همکاران بیگانه قرار می‌دادند. این وضعیت مشروعیّت قاجارها را روز به روز کاهش می‌داد.

شرایط بین‌المللی: غرب در آستانه انقلاب مشروطه از دو بعد تأثیر فکری داشت. یکی جاذبه‌های غرب که ایرانیان را حیرت‌زده کرد، دیگری موانع فکری که در درون جامعه ایران وجود داشت. در نتیجهٔ رنسانس در غرب، عقل‌گرایی به وجود آمد، توجه به ادراکات و معلومات یقینی، بدیهی و ریاضی به دور از ابهام‌ها، تناقض‌ها و تاریکی‌ها صورت گرفت، روش‌های تجربی و استقرایی رواج یافت، علم برای مقاصد فنی و هدف‌های ایدئولوژیک جدید به کار رفت، علایق زمینی، روحیات مادی و مهم‌انگاشتن زندگی دنیوی رواج پیدا کرد، اصالت و استقلال انسان مطرح شد، آزادی و حقوق طبیعی فرد رواج پیدا کرد، نوآوری، نواندیشی رواج یافت و بی‌اعتمادی نسبت به سنت‌های کهن به وجود آمد. در اثر رنسانس، از اقتدار و نظارت دین در اندیشه، علم و زندگی بشر خلع‌پد گردید و دین به‌عنوان جزئی از مجموعهٔ زندگی بشر در عرض سایر جنبه‌ها قرار گرفت (فراستخواه، ۱۳۷۷: ۱۷-۱۹). در درون جامعهٔ ایران روش نظام‌مند برای فکر کردن وجود نداشت. در این دوره تفکر به لحاظ روش‌شناختی، تحلیلی و غیرواقعی و سلیقه‌ای بود و حالت انباشتی نداشت. به لحاظ نبود تخصص و تجربه و کاربرد عقل، اجماع نظر فکری در ایران ضعیف بود. به لحاظ روشی در جامعهٔ ایران آستانهٔ مشروطه در برخورد با ابهام هراس وجود داشت، به زمان کم‌توجهی می‌شد و تفاوت‌های فکری افراد به اختلافات شخصی بدل می‌گشت. در این دوره از سوی حکومت به جای مدیریت اندیشه، کنترل اندیشه صورت می‌گرفت (سریع‌القلم، ۱۳۷۷: ۷۱-۷۲).

ترجمه آثار کلاسیک غربی به فارسی و روزنامه‌های منتشره توسط ایرانیان مقیم خاراج و ایجاد مدارس جدید در ایران فرهنگ سیاسی غرب را اشاعه داد و فرهنگ سیاسی ایران را متأثر ساخت.

آگاهی از فن‌آوری نظامی غرب که در اثر تماس ارتش روسیه تزاری و شکست سپاه ایران به‌وقوع پیوست ایرانیان را به فکر فرو برد (حائری، ۱۳۶۷: ۳۰۸). از سوی دیگر ضعیف شدن نیروی مسلح ایران، نفوذپذیری و وابستگی آن را افزایش داد به نحوی که نیروهای ایرانی تربیت شدهٔ روس‌ها در ایران روزی سه‌بار به ترکی فریاد می‌زدند: «هورا امپراتور روسیه و زنده باد شاه ایران» (فوران، ۱۳۷۷: ۱۷۷).

در آستانهٔ انقلاب مشروطیت دو قدرت خارجی روس و انگلیس برای سلطه بر ایران باهم رقابت می‌کردند. روسیه با اشغال نظامی بخش‌هایی از ایران و دخالت در انقلاب مشروطه بر نفوذ و سلطهٔ خود در ایران افزود و بریتانیا هم در برابر این اقدام روسیه ساکت ماند. در مجموع، شکست‌های نظامی به اعطای امتیازهای دیپلماتیک انجامید. امتیازهای دیپلماتیک، کاپیتولاسیون‌های تجاری به بار آورد. کاپیتولاسیون‌های تجاری راه نفوذ اقتصادی را هموار کرد،

و نفوذ اقتصادی با متزلزل کردن صنایع بومی، اختلالات اجتماعی شدیدی پدید آورد (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۴۸).

جدول شماره ۱. امتیازات و قراردادهای استعماری آستانه انقلاب مشروطه

موضوع امتیاز	فرد یا کشور بهره‌بردار	تاریخ عقد قرارداد
امتیاز گمرکات شمال ایران	روسیه	۱۹۰۰ م/ ۱۳۱۸ ق
امتیاز بانک رهنی	روسیه	۱۸۹۰ م/ ۱۳۰۸ ق
امتیاز تأسیس بیمه و حمل و نقل	روسیه	۱۸۹۱ م/ ۱۳۰۹ ق
امتیاز راه آهن - بهره‌برداری از معادن، نفت، جنگل‌های دولتی - کارهای زه‌کشی و آبیاری در ایران به مدت ۷۰ سال در قبال ۴۰ هزار پوند استرلینگ	بارون جولوس دو روتیر از اتباع انگلستان	۱۸۷۲ م/ ۱۲۵۱ ش
امتیاز تأسیس بانک و یک شرکت معدنی در قبال غرامت ناشی از لغو امتیاز روتیر	روتیر	۱۸۹۰ م/ ۱۲۷۰ ش
انحصار فروش توتون و تنباکو به شرکتی انگلیسی که بعد از لغو آن، شرکت مذکور ۵۰۰ هزار پوند استرلینگ از این بابت غرامت گرفت.	شرکت انگلیسی	۱۸۹۰ م/ ۱۲۶۹ ش
تفتیش، تفحص و پیدا کردن و استخراج و بسط دادن و حاضر کردن برای تجارت، حمل و نقل و فروش گاز طبیعی، نفت، قیر و موم در تمام وسعت ممالک ایران در مدت ۶۰ سال به ازای ۲۰ هزار پوند استرلینگ نقد و سالیانه ۱۶٪ از سود خالص آن.	ویلیام ناکس داریسی	۱۹۰۱ م/ ۱۲۸۰ ش
ماهگیری و انحصار خاویار در آب‌های جنوبی و بحر خزر (کدی، ۱۳۷۵: ۱۱۳)	یک تبعه روس	۱۸۸۸ م/ ۱۳۰۶ ق
امتیاز خط تلگراف شمال	روسیه	۱۸۷۹ م/ ۱۲۹۷ ش
اعطای حق ایجاد یک بنگاه بخت‌آزمایی (کدی، ۱۳۷۵: ۱۱۳) و با قرعه‌کشی در ایران و امتیاز بانک شاهنشاهی	انگلستان	۱۸۸۹ که در همان سال لغو شد
امتیاز خطوط تلگراف	انگلستان	۱۸۶۲ م/ ۱۲۷۹ ق
امتیاز کشتیرانی در رود کارون	انگلستان	۱۸۸۸ م/ ۱۳۰۶ ق

بر اثر ارتباط ایرانیان با دنیای خارج که بیشتر از طریق اعزام دانشجوی، مسافرت تجار و بازرگانان، فرستادگان سیاسی و مهاجرین صورت گرفت، غرب نفوذ اجتماعی قابل ملاحظه‌ای در جامعه کسب کرد. این نفوذ در شرایطی بود که با پیشرفت غرب و فاصله با شرق، به همان میزان ایران عقب مانده و درجا زده بود. (زیباکلام، ۱۳۷۷: ۲۲۶).

به لحاظ اقتصادی ایران دوره قاجاریه در آستانه وابستگی قرار داشت. در دوره پنجاه ساله بین ۱۲۴۲ تا ۱۲۹۳ ش. بیش از ده قرارداد و امتیاز مهم استعماری در مورد بهره‌برداری یا انحصار مواد خام به دولت یا اتباع روسیه و انگلستان داده شد. جدول امتیازات را ملاحظه کنید. مبادلات اقتصادی نابرابر میان دو دولت روس و انگلیس با ایران از دیگر مؤلفه‌های وابستگی اقتصادی است.

بنابه نوشته جان فوران، حجم مواد صادراتی ایران در اواخر سده نوزدهم میلادی (۱۱۷۹ تا ۱۲۷۹ ش) پنج برابر حجم کالاهای ساخته شده وارداتی بوده، اما ارزش همین واردات سه برابر صادرات می‌شد. کاهش ارزش پول ایران باعث شد، اقلام صادراتی این کشور در بازارهای جهانی ارزان‌تر به فروش برسد (فوران، ۱۳۷۷: ۱۸۱).

گفتمان‌های روشنفکری آستانه انقلاب مشروطه

گفتمان دینی: در تاریخ ایران به دنبال ضعف در ساختارهای مختلف اجتماعی که به‌ویژه به دنبال شکست ایران از روس و انعقاد قراردادهای استعماری گلستان و ترکمن‌چای در دوره قاجاریه صورت عینی‌تری یافت، واکنش‌های مختلفی از سوی روشنفکران دینی صورت گرفت. به تدریج که جامعه ایران بیشتر با عناصر تمدن غرب آشنا شد، نقش و فعالیت علما در حوادث و رویدادهای سیاسی-اجتماعی بیشتر گردید. گرچه این فعالیت‌ها متفاوت بود، ولی وجه مشترک همه آن‌ها احساس درد و انگیزه غلبه بر مشکلات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه است. این نگرانی به‌طور جدی از دوره سیدجمال‌الدین اسدآبادی آغاز گشت (توسلی، ۱۳۸۰: ۳۷۳-۳۹۰). در پی این نگرانی، عقیده تجدیدنظر در تفکر دینی، نوگرایی و یا بازسازی مفاهیم و انطباق آن‌ها با زندگی اجتماعی مطرح شد.

در آستانه انقلاب مشروطه، علما قانون اساسی را همچون وسیله‌ای جهت تحدید قدرت شاه پذیرفتند. هرچند میان آنان برسر نوع قانون اختلاف نظر بود. یک نظریه پادشاهی مطلق را رد و سلطنت مشروطه و حکومت پارلمانی را از دیدگاه فقه شیعه توجیه کرد (بشیریه، ۱۳۷۸: ۱۲۰-۱۲۲). اندیشه دینی دیگری در مشروطه تنها خواستار اجرای شریعت شد و معتقد بود، شاهان نیز می‌توانند قانون اسلام را اجرا کنند و مجری قانون لزوماً نباید از نواب عامه باشد. برخی از علما نتیجه می‌گیرند که مشروطه نسبت به استبداد در مرتبه دورتری از شریعت قرار دارد (قادری، ۱۳۷۸: ۲۳۵).

در مجموع، علما مجبور بودند درباره مشروطه توضیح دهند، از آن دفاع کنند یا با آن به مقابله برخیزند و اندیشه‌های خود را در قالب رساله‌هایی به‌طور تلویحی یا صریح، بنابه مشرب

و سائمه خود در پیوند تنگاتنگ با آموزه‌های اسلامی تدوین کنند. البته، شیوه‌ای که علما برای تشریح اندیشه‌های مشروطه‌خواهی به کار بردند، باعث صدور چندین حکم کلی از سوی محققان درباره این گفتمان‌ها شده است. مثلاً کسروی و حتی حامد الگار به این قضاوت رسیده‌اند که علمای شیعه به خاطر اعتقاد به مشروعیت انحصاری حکومت ائمه، همواره با هرگونه مفهومی از دولت و نظام سیاسی مخالف بوده‌اند (کسروی، ۱۳۴۸: ۱۱).

قضاوت دیگری افکار علما در باب اهداف انقلاب مشروطیت را آشفتگی و متناقض می‌داند و معتقد است گروهی که تصور روشنی از مشروطیت داشت، عنصر ترقی‌خواه تربیت یافته، معتقد به حکومت دموکراسی غربی بود (آدمیت، ۱۳۳۵: ۲۲۸). اما تأثیر نوشته‌های آنان به اندازه علما نبوده است. در زیر به هریک از دو گرایش دینی پرداخته می‌شود.

گفتمان علمای مشروطه‌خواه: در این جرگه، روشنفکران تحت تأثیر امواج انقلاب فرانسه و اندیشه‌های تجدد لیبرالی غرب، دست به اصلاح و احیای فکر دینی زدند و تلاش کردند که بین مفاهیم و نهادهای جدید غربی با معرفت دینی شیعی سازگاری و آشتی به وجود آورند. آنان به دنبال اثبات عدم تعارض علم و دین بودند. شعارهای مهم روشنفکری در این گفتمان، آزادی، دموکراسی، جامعه مدنی، گسترش نهادهای تجدد، اصلاح و مهندسی اجتماعی است. هدف آن‌ها رهایی جامعه از عقب‌ماندگی و مدرن شدن آن است و جامعه برای رسیدن به این پیشرفت، راهی جز این ندارد که خود را با اعمال، نهادها و مصنوعات که با قدرت مغرب‌زمینان پیوند دارد، منطبق کند. روشنفکران این گفتمان برای رسیدن به این آرمان، از بازخوانی مستمر و انعطاف‌پذیری اسلام دفاع کردند تا مسلمانان بتوانند نهادهای سیاسی، اقتصادی و آموزشی را با شرایط جدید سازگار کنند. این گفتمان هم خود را نقد می‌کرد و هم در پی بازگشت به سنت صدر اسلام بود (حائری، ۱۳۶۷: ۵۳۰).

علما و مراجع موافق و مدافع مشروطه، تأسیس حکومتی شرعی را – لاقلاً در آن روزگار – امکان‌پذیر نمی‌دانستند و از سوی دیگر، حکومت موجود را آلوده و غیرقابل اعتماد می‌دانستند. آنان برعکس موافقان حکومت مطلقه، به عدالت، رفع ستم و بیداد و احقاق حقوق علاقه داشتند؛ مشروطیت را در این راستا، یک راه‌حل عینی و عملی بالفعل می‌یافتند تا بلکه با شور و مشورت و مجلس عقلانی ملت و حکومت قانون – که با سنت‌های اسلامی نیز، موافقت دارد – گشایشی حاصل آید. در ضمن آنان نیک می‌دانستند که مشروطه، «مشروع بشو» نیست، بلکه در زمان غیبت امام زمان (عج) با توجه به عدم امکان تحقق حکومتی شرعی، مشروطه یک آلترناتیو کارآمد و جایگزین مناسبی است (فراستخواه، ۱۳۷۷: ۳۸۱). برخی از آن‌ها، حتی به حاکمیت جمهور مسلمین در زمان غیبت نیز اشاره کرده‌اند (ملک‌زاده، ۱۳۲۸: ۱۱۱). زمانی که

شیخ فضل‌الله خطاب به علما نوشت: «این مجلس شرایط مجلسی که شما می‌گویید ندارد»، علماء نجف که طرفدار مشروطه بودند نوشتند: «منظور ما همان مجلس بهارستان است» و بر دفاع از مشروطه پافشاری کردند و در جریان استبداد صغیر گفتند: «همراهی با مخالفان اساس مشروطیت، هرکه باشد محاربه با امام زمان (عج) است.» (ملک‌زاده، ۱۳۲۸: ۴۹) آنان حتی شیخ فضل‌الله را حمایت نکردند و زمانی پیشیمان گشتند که شیخ دستگیر و به دار آویخته شده بود (کسروی، ۱۳۶۵: ۵۲۸).

سید جمال، محمدحسین نائینی، بهبهانی، کواکبی و نجم‌آبادی، ملامحمد کاظم خراسانی از اسلاف این گفتن‌ها بودند.

گفتن‌های علمای مشروطه مشروعه‌خواه: علمای مشروطه مشروعه‌خواه با مشروطیت مخالفت می‌ورزیدند.

آنان در نهایت مشروطه را کالای وارداتی از اروپا، ناسازگار با اسلام و لذا نوعی بدعت پنداشتند (سلسله پهلوی...، ۱۳۷۱: ۲۶۹). شریعت را حقیقتی ثابت و فراتاریخی می‌انگاشتند و در آن کمتر به تأویل و تحویل و انعطاف، رضا می‌دادند و با آزادی و برابری و قانون‌نویسی به وسیله مجلس، سراسازگاری نداشتند (فراستخواه، ۱۳۷۷: ۱۱۳).

گفتن‌های این دسته از علما با مفاهیم مختلفی دسته‌بندی شده است. برخی آنان را محافظه‌کار و سنت‌گرا خواندند، چراکه گاهی با دربار و فئودال‌ها و بازرگانان در یک سو قرار می‌گرفتند و در رابطه با آزاداندیشان کوتاه نمی‌آمدند و سازگاری و انعطاف نشان نمی‌دادند و اهل تفسیر و تأویل شرع نیز نبودند.

مشروطه مشروعه‌خواهان، دنبال حاکمیت کامل ولایت بر عرصه‌های قدرت و جامعه و سیاست بودند، ولی مشروطه‌خواهان برای این امر زمینه را مساعد نمی‌دانستند و به مشروطه رضا می‌دادند. این دو گفتن‌ها در دو مکتب سامرا و نجف با نمایندگان خاص خود انعکاس داشت. از سوی گفتن‌های مخالف مشروطه (مشروعه‌خواهان) مواد دیگری نیز مورد تأکید قرار دارد (فراستخواه: ۴۲۹ - ۴۳۱).

(۱) نظام حکومتی نمایندگی و انتخابی و دموکراتیک به مفهوم قرارداد آزاد اجتماعی، غیر از مفهوم سنتی ولایت‌فقهی در زمان غیبت است. بیعت و اجماع در سنت مسلمانان با قرارداد اجتماعی و اکثریت آراء تفاوت دارد.

(۲) قانون به مفهوم جدید، وضع شده انسان و کاملاً نسبی و متغیر است؛ ولی قانون در سنت دینی از جانب خدا و پیامبر و امام و نهایتاً فقیه و مجتهد جامع‌الشرایط است و برخی تغییرات آن نیز برعهده خدا و پیامبر و امام و در نهایت «حاکم شرع» است، نه

- پارلمان مبتنی بر انتخابات آزاد و دموکراسی و اکثریت آراء.
- (۳) قانونگذاری به شیوه جدید و براساس اکثریت آرا چیزی و سنت اجتهاد دینی مجتهدین از متون و ادله شرعی، چیز دیگری است.
- (۴) شورا در فرهنگ دینی غیر از پارلمان در قاموس دموکراسی است.
- (۵) عدل در فرهنگ و معارف مسلمانان با عدالت در نظریه‌ها و آرمان‌های جدید متفاوت است.
- (۶) حقوق و آزادی‌های طبیعی انسان در عرف جدید، غیر از مفهوم متعارف حقوق و آزادی‌های مردم در آثار به‌جای مانده از شریعت است.
- (۷) از مصادیق آزادی، آزادی در انتخاب هر یک از مذاهب و حتی انتخاب خود مذهب یا لامذهبی است؛ حال آن‌که در سنت فقهی مسلمانان و شیعه، احکام ارتداد وجود دارد. عقد آدم مرتد باطل است. دارایی‌هایش دیگر بدو تعلق ندارد، بدنش ناپاک و قتلش واجب خواهد بود.
- (۸) آزادی قلم و بیان و مطبوعات یکی از مفروضات دموکراسی است؛ در حالی‌که در سنت شرعی، موضوعی تحت عنوان کتب ضاله و مضله مطرح است.
- (۹) در احکام اسلام تنها مرد مسلمان می‌تواند زن کافر ذمی را به عقد موقت در آورد و نه برعکس، تنها فرد مسلمان از کافر در شرایطی ارث می‌برد و نه برعکس. در باب گواهی دادن و دیه گرفتن نیز بین مسلمان و نامسلمان تفاوت وجود دارد.
- (۱۰) برابری مرد و زن، با سنت تعدد زوجات و قانون ارث که هر دو در قرآن آمده است ناسازگار است؟
- (۱۱) شرایط نمایندگی، شرط تعهد و دیانت در نمایندگی پارلمان، با عرف دموکراسی توجیه نمی‌شود؟ بنابراین نامسلمانان نمی‌توانند در مجلس شورا شرکت کنند؟
- (۱۲) دادگستری به مفهوم عرفی و دموکراتیک با ولایت قضایی و محاکم شرعی به مفهوم سنتی تفاوت دارد.
- (۱۳) در فرهنگ اسلامی و شیعی، دیانت و حکومت باهم در آمیخته و حال آن‌که در فرهنگ جدید، مینا بر تفکیک و تمایز آن دو از هم است.
- (۱۴) نظام مالیاتی با خمس و زکات و سایر موارد معهود در سنت اسلامی جمع نمی‌شود. نماینده برجسته این گفتمان در سطح مجتهدان تهران، شیخ فضل‌الله نوری و در سطح مرجعیت نجف سید محمدکاظم طباطبایی یزدی بود (فراستخواه، ۱۳۷۷: ۳۹۷). هر چند یزدی مایل به دخالت آشکار در سیاست، جز در موارد و شرایط بسیار ضروری و غیرعادی نبود (حائری، ۱۳۶۴: ۳۴۲). این گفتمان (مشروع‌خواهی) در اندیشه میرزای شیرازی نیز ریشه دارد.

حتی فضل‌الله نوری متأثر از حوزه‌های سامرا و اندیشه‌های میرزا است. آن‌جا که شیخ استدلال می‌کند که ایران مسلمان مثل غرب نیاز به قانون ندارد، ویژگی‌های این گفتمان را توضیح داده است. تلاش صاحب‌نظران این گفتمان برای پاسخ‌گویی به مسائل جدید و دفاع از سنت و دیانت در برابر مشروطه‌خواهی موجب شده است تا آرا آنان را گونه‌ای گفتمان روشنفکری تلقی کنیم.

گفتمان مسلط

گفتمان مسلط در این دوره گفتمان غیردینی توافق‌گرا است. برای اندیشمندان این گفتمان غرب به منزله‌الگوی جهت پیشرفت و از میان برداشتن بی‌خبری اجتماعی، عقب‌ماندگی اقتصادی و استبداد سیاسی جامعه تلقی می‌شد. آنان برای توضیح و تبیین مسائل اجتماعی ایران و روشن کردن مواضع خود رسائلی را تدوین کرده‌اند. رسائلی که مفاهیم پیش آمده، نه در تنگاتنگ با آموزه‌های اسلامی و شیعی، بلکه با تأکید بر قانون و قانون‌خواهی توضیح داده می‌شد (محیط طباطبایی، ۱۳۲۷: ۶). این رسائیل بیشتر با اقتباس از آموزه‌های دموکراسی‌خواهی غربی و متون باقی‌مانده از روشنفکران متأثر از فضای سیاسی و اجتماعی روسیه آن زمان تدوین گردید و تأثیر حائز اهمیتی بر جامعه گذاشت (قادری، ۱۳۷۸: ۲۳۲). دیدگاه‌های غیردینی آستانه مشروطه اختلاف‌های کمتری با یکدیگر داشتند. میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله به اقتضای زمان و مصلحت اندیشه‌های مشروطه‌گری را رنگ اسلامی می‌زد و در مواردی آن را با اسلام یکی می‌دانست. اما به دلایل زیر اندیشه‌های او به‌مثابه گفتمان مسلط بر انقلاب و خود او به‌عنوان نماد گفتمان روشنفکری آستانه انقلاب به حساب می‌آید:

۱. بسیاری از اصول قانون اساسی مشروطه حتی با اولین نوشته ملکم یعنی رساله غیبی یا دفتر تنظیمات قرابت داشت. مشروطه‌خواهان در آغاز امر برای راهنمایی به نوشته‌های او روی آوردند.

۲. برای اولین بار لفظ «قانون» را ملکم به کار برد و تلاش‌های فکری و قلمی او که حدود نیم قرن ادامه داشت تخم انقلاب را کاشت و اسلوب تحریر و افکارش مورد اقتباس پیش‌قدمان انقلاب مشروطه قرار گرفت.

۳. وی در زمان خود بیش از هرکس دغدغه پیشرفت ایران را داشته و مسائل و معضلات اجتماعی را بهتر از هر روشنفکری تبیین کرده است (محیط طباطبایی، ۱۳۲۷: ۵). ملکم اندیشه آزادی را در ایران پراکنده و تمام مسائل زمان خود را به بحث گذاشته و مبانی

حکومت ملی را تشریح کرده است (راوندی، ۱۳۳۶: ۲۵۳). نوشته‌های او دارای زبانی ساده و قلمی غیردرباری و دور از تکلف و تصنع و قابل استفاده برای مردم آن جامعه بوده است.

۴. بسیاری از صاحب‌نظران ملکم را پدر روشنفکری ایران و پدر روزنامه‌نگاری جدید و اولین طراح نظری اصلاح سیاست و آیین حکمرانی به حساب آورده‌اند. او مسئله مهم زمان خود را طاعون دولتی می‌نامید.

ملکم می‌گوید: وجهه نظرم اسلامی است، شعله اصلاح‌طلبی در من فروزان شد، طرحی ریختم که سیاست مغرب را با دیانت شرق به هم آمیزم. زیرا می‌دانستم که تغییر صریح ایران به صورت انگلیسی و اروپایی، کوششی بی‌فایده است. لذا فکر ترقی مادی غرب را در لفافه دین عرضه داشتم تا با هموطنانم بهتر رابطه برقرار کنم و آنان در برابر من مقاومت نکنند (محیط طباطبایی، ۱۳۲۷: مقدمه). از نظر او، چون علم و فن که مبنای تمدن غرب بوده، فراگیر است. بنابراین، تمدن غرب نیز فراگیر و جهانی خواهد شد (بهنام، ۱۳۷۵: ۸). ملکم خان می‌گوید:

ای عقلای ایران اگر طالب حفظ ایران هستید بی‌جهت خود را فریب ندهید. عقل شما اگر به اندازه عقل افلاطون باشد باز بدون حکم‌فرنگی ممکن نیست که بتوانید بفهمید که اداره شهر یعنی چه؟ (محیط طباطبایی، ۱۳۲۷: ۱۱).

ملکم مؤسس فراماسونری بود که البته در ابتدا با موافقت ناصرالدین شاه به این کار مبادرت کرد و در نهایت مجمع آدمیت را به وجود آورد. ملکم به دردهای عقب‌ماندگی ایران اشاره کرده است، آن‌جا که خطاب به وزرای ایرانی می‌گوید:

آن وقت که شما در آسیا به طور دلخواه سلطنت می‌کردید، کسی دویست فرسخ راه را در ده ساعت طی نمی‌کرد. آن وقت که انتظام دولت را به وقر بی‌معنی می‌دانستید، گذشته است. حالا در سه هزار فرسخی ایران، قلعه آهنی می‌سازند و می‌آیند محمره را در دو ساعت منهدم می‌کنند. حالا در مقابل اقتدار دول همجوار، نه الفاظ عربی به کار می‌آید، نه استخوان‌های اجدادی. (محیط طباطبایی، ۱۳۲۷: ۸).

کتابچه غیبی مشهورترین نوشته ملکم خان و در واقع، فهرست تمام عقاید اصلاحی او است، که در آن هفتاد و چهار قانون را پیشنهاد کرده است. وی متأثر از منتسکیو می‌نویسد:

نظم و پیشرفت حکومت به جدایی این دو اختیار (اختیار وضع قانون و اختیار اجرای قانون)، تدابیر دقیق و دستگاه‌های منظم نیاز دارند و این دو اختیار از همدیگر فرق کلی دارند. (محیط طباطبایی، ۱۳۲۷: ۱۱۵).

ملکم مسلمان بودن را مانعی برای پیشرفت نمی‌داند و می‌گوید:
کدام آیین است که به قدر اسلام مروج ترقی و محرک آسایش دنیا باشد؟ حرف جمیع ارباب ترقی این است که همان احکام دین ما، همان اصول ترقی که کل انبیاء متفقاً به دنیا اعلام فرموده‌اند و دیگران را اسباب این همه قدرت خود ساخته‌اند، ما هم به حکم عقل و دین خود، همه این اصول ترقی را چه از لندن، چه از ژاپن، بلادرنگ اخذ نماییم.
(همان: ۱۶۹)

در سند دیگری، خلاف این تفکر به او نسبت داده شده و آمده است که ملکم خان در تقریراتش به آخوندزاده به ابعاد ضد مذهبی مثل، جدایی دین از سیاست، تعارض عقل و شرع، دین زدایی از آداب اجتماعی مردم و مرعوب کردن مردم در برابر عظمت و پیشرفت‌های غرب تأکید داشته است (رحیم پورازغدی، ۱۳۸۰: ۸).
ملکم به آخوندزاده پیشتهاد کرده است که از هیچ یک از پیروان ادیان سه گانه اسلام، نصرانیت و یهود در ایران، عثمانیه و قفقاز انتقاد نکند، و از حقایق علمی برای قطع ریشه‌های اوهام و خرافات کمک بگیرد و از این طریق به مقصود خود که زیر سؤال بردن حقانیت است، برسد.
(راوندی، ۱۳۳۶: ۲۵۸).

انتقادات شدیدی بر ملکم و تفکر او وجود دارد. او در جامعه شدیداً سنتی و استبدادی دوران ناصری زندگی می‌کرد و بیم آن داشت که به آلف و علوفش صدمه‌ای برسد. بنابراین، به دنبال آن بود که به شیوه‌های صرفاً تقلیدی خود لباس مذهبی ببوشد تا کمتر تعارضی با مذهب پیدا کند (توسلی، ۱۳۷۹: ۲۹۴). از سوی دیگر زمانی ناصرالدین شاه را تهدید کرد که اگر مقرری او پرداخت نشود، از طریق راه انداختن فراموشخانه، شعبده‌بازی و یا انتشار روزنامه برای مخالفت سیاسی با دیگران، تحصیل درآمد خواهد کرد.

ملکم توجیه کننده استعمار با دید اقتصاد آزاد است. به باور او آزادی آسیا با روش فرنگستان به نفع آسیا است. او دخالت فرنگستان در ممالک دیگر را به قصد ازدیاد آبادی توجیه می‌کند. می‌گوید؛ مالیات ممالک تصرف شده از مخارج آن‌ها کمتر است. موافق امتیازدهی و سرمایه‌گذاری مادی و علمی کشورهای استعمارگر در ایران است.

بر وی این اشکال گرفته شده است که محتوای علمش برای انتفاع غیرملی بوده است؛ در امتیاز معروف بارون روتر منافی داشته و منافع ملی را نادیده گرفته است و در امتیاز لاتاری سوءاستفاده‌های شخصی کرده است. حتی کدی نیز اقدامات او را با تردید نگریسته و وی را متهم به باج سبیل گرفتن از دولت کرده است (کدی، ۱۳۷۵: ۱۲۱). او متهم به گرفتن انعام (ده‌هزار تومان) از خدیو مصر (اسماعیل پاشا) و ایجاد سرافکنندگی برای دولت ایران است (محیط طباطبایی، ۱۳۲۷: ۵).

در تحصیلات دقیق او نیز تردید شده است، این سؤال وجود دارد که چرا تحصیلات وی در نوزده‌سالگی به پایان رسیده است؟ علاوه بر این، چرا ملکم از مشکلات و تضادهای جوامع غربی چیزی نگفته است؟ بنابراین آرمان طبقه محافظه‌کار جامعه غربی را همچون ایدئولوژی انقلابی و پیشرو وارد ایران کرده است. گفته می‌شود کار او به فرهنگ روشنفکران بعدی صدمه بسیاری زده و او شایسته عنوان فیلسوف نیست، بلکه مبلغ عقاید سیاسی و اجتماعی یا روزنامه‌نگاری، آن‌هم از نوع بسیار سطحی و پایین است. بالاخره گفته شده او بیشتر به معلول و صورت پرداخته و دچار صورت‌گرایی و عوام‌فریبی شده است.

الگار عقیده دارد که هرچند علما در انقلاب مشروطه نقش داشتند، مفهوم مشروطه‌خواهی برای اولین بار در ایران به وسیله روشنفکران غیردینی که تجربه مستقیم یا غیرمستقیم از اروپا داشتند، ترویج شد.

از قول آیت‌الله سیدمحمد طباطبایی نقل شده است که:

ما [علما] مشروطیت را که خودمان ندیده بودیم، ولی آن‌چه شنیده بودیم، و آن‌هایی که ممالک مشروطه را دیده، به ما گفتند مشروطیت موجب امنیت و آبادی مملکت است. ما هم شوق و عشقی حاصل نموده، تا ترتیب مشروطیت را در این مملکت برقرار نمودیم. (آدمیت، ۱۳۳۵: ۲۲۶).

مطالعات نشان می‌دهد که در آستانه انقلاب مشروطه (نه بعد از پیروزی آن)، هیچ روشنفکری به وسعت مطالب ملکم ننوشته و مؤثر نبوده است. نوشته‌های ملکم خان آخرین نوشته‌های قبل از مشروطیت است. شماره اول روزنامه قانون ۱۷ سال قبل از مشروطه در لندن منتشر شد.

به‌طور خلاصه ملکم نخستین کسی بود که «اخذ تمدن فرنگ» را «بدون تصرف ایرانی» تأکید کرد و به «آدمیت»، «علم‌گرایی» و «خردگرایی» عصر روشنگری اعتقاد داشت، او براساس فلسفه تحقیقی، علم و صنعت را بنیاد تمدن دانست و به فرامرزی و عالم‌گیری آن توجه تام نشان داد.

گرایش او به لیبرالیسم غربی و ضرورت تدوین قانون برای حفظ حقوق فردی، از ارکان مهم اندیشه او است. نگرش ملکم به دین، نگرش غالب عصر روشنگری غرب و لذا نگرشی ابزارگرایانه است. براین اساس می‌توان گفت او فردی سکولار بود که به موضوع جدایی کامل دین و سیاست، بلکه معیاریت این دو، و حتی معیاریت دین و علم اعتقاد داشت، ولی بنابه اقتضای شرایط در نوشته‌های خود خیلی کم به دین و مذهب حمله کرده و آن دو را سازگار نشان داده است.

ارزشیابی ویژگی‌های گفتمان مسلط

گفتمان مسلط بر انقلاب مشروطه با روش تحلیل محتوای کمی مورد بررسی قرار گرفته است. در این تحلیلی محتوا، ابتدا هر حوزه از ویژگی‌ها در قالب مقوله درآمده است. مهم‌ترین مقوله‌ها عبارتند از: دموکراسی، آزادی، استقلال، عدالت و برابری، وحدت، اتحاد و اتفاق، ارزش‌های ضداستبدادی، پیشرفت (ترقی) و تجدد، ارزش‌های دینی و غرب‌گرایی. واحد ثبت در تحلیل محتوا «مضمون» بوده است. انجام تحلیل مضمونی، عبارت از یافتن «هسته‌های معنی‌دار» است و واحد متن هر پاراگراف از روزنامه قانون میرزاملکم‌خان است. پایایی^۱ تحلیل محتوا بنا ضریب کاپا^۲ محاسبه شده است. این آزمون آماری، میزان توافق دو نوبت کدگذاری و یا قضاوت طی دو نوبت و بیشتر را نشان می‌دهد. (کرامر، ۱۹۹۴: ۲۶۸-۲۶۹).

سطح معنی‌داری برای تمامی ویژگی‌های گفتمان مسلط روشنفکری ۹۸٪ و بیشتر بوده است. بود و نبود هر ویژگی در آثار مورد تحلیل در آستانه انقلاب در دو نوبت به فاصله شش ماه کدگذاری و ضریب توافق برای تمام ویژگی‌ها محاسبه شده است. نتایج آزمون، توافق و ثبات در طبقه‌بندی را نشان می‌دهد. با این‌که ملاک مطلق برای قضاوت پیرامون ضریب اعتبار وجود ندارد، ولی حداقل ملاک ۰/۶ از طرف صاحب‌نظران پذیرفته شده است (دلاور، ۱۳۷۶: ۲۸۴). علاوه بر کاپا یکی کردن مقوله‌های فرعی، واحد بودن کدگذار، صراحت مقوله‌ها، تجربه کدگذاری و عدم ابهام اطلاعات پایایی را بالا برده است.

1. reliability

2. Kappa

جدول شماره ۲. سنجش ضریب پایایی (کاپا) ویژگی‌های گفتمان مسلط (روزنامه قانون)

اندازه کاپا	ویژگی‌ها
۰/۶۵	دموکراسی
۰/۵۲	آزادی
۰/۴۷	استقلال
۰/۷۲	عدالت و برابری
۰/۵۹	وحدت، اتحاد و اتفاق
۰/۹۵	ارزش‌های ضد استبدادی
۰/۹۵	پیشرفت (ترقی) و تجدد
۰/۹۵	ارزش‌های دینی
۰/۶۳	غرب‌گرایی

مقصود از روایی^۱ آن است که وسیله اندازه‌گیری بتواند خصیصه موردنظر را اندازه بگیرد و نه خصیصه دیگری را. حصول پایایی تا حد زیادی امری فنی است اما روایی در ذات و جوهره اصلی علم قرار دارد. روایی صوری این تحقیق از طریق زیر حاصل شده است.

۱. یافته‌های کیفی با نتایج تحلیل محتوای کمی هماهنگی دارد.
۲. در این تحقیق میان دیگر آثار صاحب‌نظر گفتمان مسلط روشنفکری با یافته‌های تحلیل محتوای کمی ارتباط وجود دارد.
۳. داوران و خبرگان اهل فن درباره مقوله‌ها و شاخص‌ها قضاوت کرده و آن‌ها را تأیید کرده‌اند.

مشخصات نمونه در تحلیل محتوا: برای مطالعه ویژگی‌های گفتمان مسلط بر انقلاب مشروطه ۳۸ شماره از روزنامه قانون میرزا ملکم‌خان انتخاب و همه آن‌ها تحلیل شده است. این روزنامه در سال ۱۳۰۷ ه. ق. در لندن تأسیس شد. (محیط طباطبایی، ۱۳۲۷: ی). آخرین شماره قانون (شماره ۴۱) در سال ۱۸۹۸ م چاپ و منتشر شد. این تاریخ دو سال پس از فوت ناصرالدین شاه، ۱۰ سال قبل از مرگ ملکم و ۸ سال پیش از انقلاب مشروطه است. شش شماره اول روزنامه قانون دارای تاریخ است. از شماره ۷ به بعد به‌طور نامنظم منتشر شده و از حالت ماهنامه درآمده و فاقد تاریخ است. ۵ شماره آخر روزنامه قانون بعد از قتل

1. Validity

جدول شماره ۳. آماره‌های توصیفی شاخص‌های گفتمان مسلط

ردیف	مقوله	ارزش	نمونه	حداقل	حداکثر	مجموع	متوسط
۱	۳	تمجید از روحانیت، دین، مذهب و علما	۳۸	۱	۳۲	۳۸۵	۱۰/۸۳
۲	۲	دفاع از قانون، قانونمندی و قانون خواهی	۳۸	۰	۲۴	۲۶۸	۷/۰۵
۳	۱	دفاع از نظم و امنیت ملی، جانی، ناموسی، شغلی و انتقاد از فقدان این نوع امنیت	۳۸	۰	۲۴	۲۶۶	۷
۴	۱	انتقاد از ظلم موجود در جامعه	۳۸	۰	۲۴	۲۲۷	۵/۹۷
۵	۵	دفاع از اتفاق و اتحاد جامعه در قانون خواهی، با قبول اختلاف در افکار و خیالات	۳۸	۰	۲۷	۲۲۶	۵/۹۵
۶	۱	انتقاد از قبیله‌گرایی در مناصب و امور سیاسی و جهل و بی‌کفایتی حاکمان و وزرا	۳۸	۰	۱۳	۱۸۰	۳/۷۳
۷	۳	تأکید بر عقل و علم	۳۸	۰	۱۸	۱۷۸	۴/۶۸
۸	۳	دنیاگرایی و گرایش به آسودگی و رفاه مردم‌ترقی و اصلاحات	۳۸	۰	۱۳	۱۶۲	۴/۲۶
۹	۲	تأکید بر مفهوم مردم، ملت و جمهوری	۳۸	۰	۱۶	۱۳۵	۳/۸۲
۱۰	۶	تمجید از پیشرفت و ترقی جهان غرب و غیرمسلمانان	۳۸	۰	۱۸	۱۱۸	۳/۱۱
۱۱	۴	دفاع از قانون و احکام الهی (خدا، شرع و اسلام)	۳۸	۰	۱۵	۱۱۴	۳
۱۲	۲	دفاع از حقوق بشر، ملت و حقوق طبیعی انسان	۳۸	۰	۱۲	۲۶۸	۲/۶۳
۱۳	۱	انتقاد از ضعف اداره کشور، فساد اداری، مالی و اقتصادی	۳۸	۰	۱۲	۲۶۶	۲/۲۵
۱۴	۲	دفاع از دستگاه قانونگذاری و مجلس نمایندگان منتخب مردم	۳۸	۰	۱۸	۲۲۷	۲/۳۲
۱۵	۱	انتقاد از بی‌نظمی، هرج و مرج و پریشانی امور دولت	۳۸	۰	۱۱	۲۲۶	۲/۳۹
۱۶		انتقاد از اعدام، کشتار، شکنجه، زندان، رعب و وحشت و دستگاه پلیس، شلاق، حبس، جو حقیقان و غیره	۳۸	۰	۶	۱۸۰	۲/۳۳
۱۷	۷	دفاع از عدالت و اجرای آن	۳۸	۰	۲۴	۱۷۸	۲/۱۱
۱۸	۱	انتقاد از خواری و ذلت مردم در برابر دولت	۳۸	۰	۱۰	۱۶۲	۱/۸۲
۱۹	۲	انتقاد از بی‌قانونی و نبود قانون در جامعه	۳۸	۰	۲۳	۱۳۵	۱/۸۲
۲۰	۱	انتقاد از ذلت و خواری دولت در برابر بیگانگان و باج‌دهی به بیگانگان و سلطه کفار و گدایی دولت	۳۸	۰	۱۰	۱۱۸	۱/۳۹
۲۱	۱	انتقاد از استبداد خودکامگی، دیکتاتوری و خودرأیی دولت	۳۸	۰	۱۲	۱۱۳	۱/۳۵
۲۲	۳	انتقاد از عقب ماندگی اقتصادی جامعه	۳۸	۰	۸	۱۰۰	۱/۳۲
۲۳	۱	انتقاد از فروش و مزایده حقوق ملت و مناصب	۳۸	۰	۱۵	۵۴	۱/۳۲
۲۴	۸	عقیده به آزادی مطبوعات	۳۸	۰	۱۸	۲۸	۱/۲۶
۲۵	۲	عقیده به جدایی قوه مجریه از قوه مقننه	۳۸	۰	۱۶	۳۳	۱/۱۱
۲۶	۲	انتقاد از اجزانشدن قانون	۳۸	۰	۱۵	۳۷	۰/۹۷
۲۷	۱	انتقاد از شاه و عملکرد او	۳۸	۰	۹	۳۴	۰/۹۸
۲۸	۳	دفاع از تخصیص بهینه منابع و استعدادهای معادن ایران	۳۸	۰	۶	۳۱	۰/۸۲
۲۹	۲	انتقاد از روش‌های خشونت‌آمیز برای تعقیب اهداف	۳۸	۰	۶	۲۸	۰/۷۳
۳۰	۳	انتقاد از فقر و نبود تأمین اقتصادی و اجتماعی	۳۸	۰	۵	۲۵	۰/۶۶

ردیف	مقوله	ارزش	نمونه	حداقل	حداکثر	مجموع	متوسط
۳۱	۳	تاکید بر قدمت کشور ایران	۳۸	۰	۳	۲۳	۰/۶۱
۳۲	۱	انتقاد از ضعف ارتش و نیروهای مسلح کشور و از دست دادن تمامیت ارضی کشور	۳۸	۰	۷	۲۳	۰/۶۱
۳۳	۲	عقیده به حق نظارت مردم و مجلس بر کار دولت	۳۸	۰	۸	۲۲	۰/۵۸
۳۴	۳	ارزش دادن به آموزش و تخصص و تعلیم نیروی انسانی و آموزش و پرورش و اهمیت به نظریات تخصصی دانشمندان و متخصصین	۳۸	۰	۷	۱۹	۰/۵
۳۵	۲	دفاع از مصونیت سیاسی و قضایی نمایندگان مجلس	۳۸	۰	۶	۱۷	۰/۳۵
۳۶	۳	اعتقاد به عدم مفایرت دین با توسعه، پیشرفت و ترقی	۳۸	۰	۶	۱۶	۰/۳۲
۳۷	۲	انتقاد از پایین بودن آگاهی مردم در مورد قانون	۳۸	۰	۷	۱۵	۰/۳۹
۳۸	۲	انتقاد از عدم نظارت و مراقبت مردم بر اجرای قانون	۳۸	۰	۱۱	۱۲	۰/۳۷
۳۹	۲	انتقاد از نبود مجلس و دستگاه قانونگذاری و مجلس ضعیف	۳۸	۰	۱۰	۱۲	۰/۳۳
۴۰	۸	اعتقاد به آزادی بیان، قلم و تبلیغ	۳۸	۰	۵	۱۲	۰/۳۲
۴۱	۲	دفاع از قانون عرف و قانون اساسی	۳۸	۰	۷	۱۲	۰/۳۲
۴۲	۸	انتقاد از نبود آزادی بیان، قلم و تبلیغ	۳۸	۰	۳	۱۲	۰/۳۲
۴۳	۳	انتقاد از نبود کارخانجات، چاپخانه‌ها، کمیته‌ها، کشتی‌ها و خراب بودن راه‌ها و شهرها	۳۸	۰	۶	۱۱	۰/۳۹
۴۴	۲	انتقاد از اجرا نشدن قانون الهی	۳۸	۰	۱۰	۱۱	۰/۳۹
۴۵	۲	انتقاد از تضییع حقوق ملت و مردم	۳۸	۰	۲	۱۰	۰/۲۶
۴۶	۹	انتقاد از استکبار، استثمار، استعمار و اجانب	۳۸	۰	۵	۹	۰/۲۳
۴۷	۳	مبارزه با جهل، خرافه، تحجر و کوته‌بینی فرهنگی	۳۸	۰	۲	۸	۰/۲۱
۴۸	۹	دفاع از استقلال سیاسی و نظامی	۳۸	۰	۳	۸	۰/۲۱
۴۹	۹	مخالفت با دادن امتیازات اقتصادی به بیگانه	۳۸	۰	۳	۷	۰/۱۸
۵۰	۲	دفاع از حق رأی و حقوق زنان در انتخاب رؤسای حکومت	۳۸	۰	۳	۷	۰/۱۸
۵۱	۴	تاکید بر ایثار، شهادت و ترسیدن از مرگ	۳۸	۰	۲	۵	۰/۱۳
۵۲	۴	اعتقاد به عدم مفایرت دین با عقل	۳۸	۰	۴	۵	۰/۱۳
۵۳	۲	عقیده به مشارکت مردم در امور سیاسی و اجتماعی	۳۸	۰	۲	۵	۰/۱۳
۵۴	۳	عقیده به اصلاح باورهای فرهنگی مانع پیشرفت	۳۸	۰	۲	۴	۰/۱۱
۵۵	۳	گرایش به روحیه علمی و خودباوری	۳۸	۰	۳	۳	۰/۰۹
۵۶	۱	انتقاد از عدم توجه به مصالح مملکت	۳۸	۰	۱	۳	۰/۰۹
۵۷	۲	دفاع از شأن و رفاه نمایندگان مجلس	۳۸	۰	۲	۳	۰/۰۹
۵۸	۶	تاکید بر تقلید بدون قید و شرط از نظام سیاسی غرب	۳۸	۰	۲	۳	۰/۰۹
۵۹	۴	انتقاد از عدم اجرای احکام اسلامی	۳۸	۰	۳	۳	۰/۰۹
۶۰	۵	انتقاد از فقدان اتفاق و اتحاد در جامعه	۳۸	۰	۳	۳	۰/۰۹
۶۱	۷	انتقاد از تمییز، بی‌عدالتی و فاصله طبقاتی	۳۸	۰	۳	۳	۰/۰۹
۶۲	۶	تعریف از پیشرفت علمی و فنی غرب	۳۸	۰	۱	۲	۰/۰۸
۶۳	۳	عقیده به قیام برای خدا	۳۸	۰	۱	۲	۰/۰۸

شرایط اجتماعی و گفتمان‌های روشنفکری در...

ردیف	مقوله	ارزش	نمونه	حداقل	حداکثر	مجموع	متوسط
۶۴	۹	دفاع از استقلال قوه قضائیه	۲۸	۰	۱	۲	۰/۰۸
۶۵	۲	اهمیت برای توسعه نهادهای علمی و مراکز تحقیقاتی و مدارس جدید و ترمیم از دانشگاهها و روشنفکران	۲۸	۰	۱	۲	۰/۰۸
۶۶	۵	انتقاد از عدم درک مردم از اتفاق و اتحاد	۲۸	۰	۱	۲	۰/۰۸
۶۷	۶	دفاع از اخذ و اقتباس از اندیشه‌هایش و تجارب غرب	۲۸	۰	۲	۲	۰/۰۸
۶۸	۴	دفاع از اصلاح و پیرایش دین و پویا کردن آن	۲۸	۰	۱	۲	۰/۰۸
۶۹	۳	ارزش دانستن کار و تلاش اقتصادی	۲۸	۰	۲	۲	۰/۰۸
۷۰	۳	دفاع از برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی	۲۸	۰	۱	۱	۰/۰۷
۷۱	۷	دفاع از عدالت اسلامی	۲۸	۰	۱	۱	۰/۰۷
۷۲	۹	انتقاد از وابستگی نظام سیاسی ایران	۲۸	۰	۱	۱	۰/۰۷
۷۳	۹	انتقاد از افت ارزش پول ملی و پایین بودن قیمت صادرات	۲۸	۰	۱	۱	۰/۰۷
۷۳	۲	دفاع از حق رأی در انتخاب رئیس جمهور و رئیس حکومت...	۲۸	۰	۱	۱	۰/۰۷
۷۵	۳	گرایش به انباشت سرمایه فیزیکی	۲۸	۰	۱	۱	۰/۰۷
۷۶	۴	تأکید بر اجتماعی بودن دین	۲۸	۰	۱	۱	۰/۰۷
۷۷	۴	اعتقاد به دخالت دین در سیاست	۲۸	۰	۱	۱	۰/۰۷
۷۸	۳	انتقاد از عقب ماندگی علمی	۲۸	۰	۱	۱	۰/۰۷
۷۹	۸	اعتقاد به آزادی مردم در تصمیم‌گیری و اعتماد به نظر آن‌ها	۲۸	۰	۱	۱	۰/۰۷
۸۰	۸	دفاع از آزادی نوع‌زندگی، محل سکونت و انتخاب شغل	۲۸	۰	۱	۱	۰/۰۷

ناصرالدین شاه منتشر شده است. از شماره ۴۱ به بعد و همچنین ۳۱، ۳۲ و ۳۳ در میان اسناد سابقه‌ای وجود ندارد. در شماره ۱۲ نام ملکم در صفحه اول به طور درشت چاپ شده است، کاری که نه در قبل انجام شده بود و نه در بعد تکرار شد. ذیل عنوان کلی قانون، شعار «اتفاق»، «عدالت»، «ترقی» نگاشته شده که در تمامی شماره‌های قانون پابرجای مانده است. مطالعه محتوای شماره‌های روزنامه نشان می‌دهد که مطالب شماره ۱۲ و ۱۵ با کمی جابه‌جایی یکسان است.

آماره‌های توصیفی شاخص‌های گفتمان مسلط: از تحلیل محتوای ۳۸ شماره روزنامه قانون سلسله‌مراتب ارزش‌ها در ۸۰ شاخص فرعی در جدول شماره ۳ انعکاس یافته است. ملاک ترتیب، متوسط فراوانی هر شاخص در هر شماره روزنامه است. ترتیب شماره مقوله‌ها براساس جدول شماره ۴ (خلاصه یافته‌های تحلیل محتوا) درج شده است.

با دقت در سلسله‌مراتب شاخص‌های فرعی گفتمان مسلط، مقوله‌های اولویت یک تا پنج، چهار ویژگی اساسی این گفتمان را معرفی می‌کند.

۱. ارزش‌های دینی

۲. تأکید بر دموکراسی
۳. ارزش‌های ضد استبدادی
۴. تأکید بر وحدت، اتحاد و اتفاق.

جدول شماره ۴. خلاصه یافته‌های تحلیل محتوا در مورد ویژگی‌های گفتمان مسلط

مقوله	اولویت	دامنه تغییرات	مجموع	میانگین	انحراف معیار
ارزش‌های ضد استبدادی	۱	۸۴	۱۲۴۸	۳۲/۸۴	۱۷/۵۸
دموکراسی	۲	۸۲	۱۰۲۷	۲۷/۰۳	۱۹/۴۳
پیشرفت (ترقی) و تجدد	۳	۴۷	۵۲۴	۱۳/۷۹	۹/۰۱
ارزش‌های دینی	۴	۳۲	۴۱۸	۱۱	۸/۸۱
اتحاد، اتفاق و وحدت	۵	۲۷	۲۳۱	۶/۰۸	۶/۰۴
غرب‌گرایی	۶	۱۸	۱۲۵	۳/۲۹	۴/۱۵
عدالت، مساوات و برابری	۷	۲۴	۸۴	۲/۲۱	۴/۳۱
آزادی	۸	۱۸	۷۲	۱/۹۵	۳/۵۲
استقلال	۹	۶	۲۶	۰/۶۸	۱/۴

۱. ارزش‌های ضد استبدادی: منظور از دیکتاتوری، خودکامگی و استبداد، فرد و یا ساختار سیاسی حاکم بر یک جامعه است که اعتنایی به خواست، رأی و مصلحت مردم نداشته باشد و به اتکای قدرت نظامی و دستگاه اداری بر مردم حکومت کند. در این صورت، از جانب هیئت حاکمه سیاسی بر مردم ظلم می‌شود، تعدی به حقوق انسان‌ها، جو خفقان و رکود فکری وجود دارد، حاکم خود را هدف می‌بیند و دیگران را وسیله قرار می‌دهد، و با آزادی و تفکر و احساسات مردم بازی می‌کند (جعفری، ۱۳۵۸: ۳۳۵-۳۳۶).

تحلیل محتوا نشان می‌دهد، در گفتمان انقلاب مشروطه، به شخص شاه به‌ندرت حمله شده است. سلطنت مورد احترام بوده و فقط دولت، وزرا و مشاوران، به‌شدت مورد انتقاد قرار گرفته و بی‌کفایت تلقی شده‌اند. حتی میرزا ملکم‌خان گاهی برای به شوق آوردن شاه برای انجام اصلاحات از او تعریف و تمجید می‌کرد (روزنامه قانون، نمره ۱، ص ۴). ملکم ناصرالدین شاه را غفران پناه و شاه شهید قلمداد کرده است. روش ملکم در ضدیت با استبداد، حالت اصلاح‌طلبانه داشته و نه انقلابی. در هر صورت، گفتمان ملکم استبداد را به دو گونه سیاسی و دینی تقسیم کرده و معتقد است، استبداد سیاسی، آزادی جسمی و استبداد دینی، آزادی روحی را از انسان‌ها سلب می‌کنند (محیط طباطبایی، ۱۳۲۷: ۱۸۱).

ملکم از عدم پایبندی سلطنت به قراردادها، به‌شدت انتقاد می‌کرد. در این باره به واژه

«ناموس» اشاره دارد و منظورش از ناموس، چیزی شبیه آبرو و اعتبار امضا، و قول و قرار و عمل به تعهدات است (روزنامه قانون، نمره ۳، ص ۲). ملکم در پی مشروطه سلطنتی است، به همین جهت، شاه و سلطنت را زیاد زیر سؤال نمی‌برد (روزنامه قانون، نمره ۱۸، ص ۱). در تمام شماره‌های روزنامه قانون، ارزش ضدیت با استبداد وجود دارد. این ارزش بین ۲ تا ۸۶ بار در هر شماره تکرار شده است. ضدیت با ساختار سیاسی در اندیشه میرزا ملکم خان اولین رتبه را دارد و در روزنامه قانون ۱۲۴۸ بار تکرار را نشان می‌دهد.

۲. دموکراسی: دموکراسی به معانی بسیار متفاوتی به کار می‌رود. در مجموع دو تعریف عام و خاص از این مفهوم وجود دارد.

الف: دموکراسی به منزله فلسفه زندگی و قالبی از افکار و اعمال که در جهت رفاه عمومی به کار می‌افتد (گیدنز، ۱۳۷۳: ۳۲۹).

ب: به معنای خاص، دموکراسی یک نوع از انواع حکومت است که در آن اکثریت حاکم باشند. در دموکراسی خواست و حق حاکمیت اکثریت مردم براساس قرارداد اجتماعی، مبنای مشروعیت قدرت سیاسی است. طبق این تعریف در حکومت دموکراسی، مردم به‌طور نسبی از مزایای آزادی در جامعه برخوردارند، و طبق یک قرارداد حق خود را به حاکمان منتقل می‌کنند. در بحث نسبت علم و دموکراسی، دموکراسی مشروعیت علم را در امور علمی و آرای عمومی را در امور غیرعلمی می‌پذیرد (عظیمی، ۱۳۷۸: ۶۷).

ملکم خان در جاهایی که از ساختار سیاسی قاجار انتقاد کرده، برخی ارزش‌های دموکراسی را به‌عنوان جایگزین ارائه داده است. گرچه او عقیده دارد که قانون و ترقی با ارزش‌های اسلامی مغایرتی ندارد امّا الگوی موردنظر ملکم از دموکراسی متکی بر مبانی فکری و فلسفی غرب است (روزنامه قانون، نمره ۳۴، ص ۱). ملکم از قانون، مجلس و مشروطیت دفاع کرده و آن‌ها را از حقوق طبیعی جامعه می‌داند. او شورای قرآن را با پارلمان برابر می‌داند. در مورد رأی مردم عقیده دارد، اگر مردم امروز صلاحیت اظهارنظر ندارند که وکلا را از جانب خود انتخاب کنند، اعراب جاهلیت چگونه قابلیت نزول قرآن را داشتند، و چگونه پیامبر را قرآن به مشورت با آنان فرمان داده است؟ قانون از نظر ملکم یعنی «اجتماع قوای آحاد یک جامعه برای حفظ حقوق همگانی (روزنامه قانون، نمره ۲، ص ۲). از نظر او قانون آن حکمی نیست که از دستگاه حکمران صادر شود. حکم نمونه‌ای است از استبداد و قانون نمونه‌ای است از مشارکت. از نظر ملکم نمایندگان مجلس فقط در صورت تقصیر بزرگ و تصدیق خود مجلس قابل پیگرد هستند (روزنامه قانون، نمره ۲، ص ۴).

ملکم در تمام شماره‌های روزنامه قانون از حداقل ۲ تا حداکثر ۸۴ بار ارزش‌های دموکراسی

را مطرح کرده است. به طور متوسط در هر شماره ۲۷ بار مضامین و موضوع‌های مربوط به ویژگی دموکراسی وجود دارد. این مقوله در اندیشه ملکم اولویت دوم را دارد. مجموع فراوانی ارزش‌های دموکراسی در گفتمان مسلط بر انقلاب مشروطه ۱۰۲۷ است.

۳. پیشرفت (ترقی) و تجدد: پیشرفت و تجدد، دو مفهوم پیچیده و دارای معانی گوناگون هستند. توسعه نیز مفهوم عامی است که فرایند آن در بردارنده پیشرفت و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی است. منظور از ترقی، تجدد و پیشرفت، در این مقاله به مفهوم توسعه نزدیک است. عمده‌ترین ویژگی جامعه متجدد، عقلانی شدن آن است که به معنای انطباق آگاهانه، سنجیده، درست و کارای وسایل، با اهداف موردنظر است. در آغاز، اصطلاح عقلانی شدن در مورد روش‌های سازماندهی کار، مورد استفاده قرار گرفت (بیرو، ۱۳۶۶: ۳۱۸). از نظر وبر، عقلانی شدن عبارت از سازمان دادن زندگی، به وسیله تقسیم و همسازی فعالیت‌های گوناگون، بر پایه شناخت دقیق مناسبات میان انسان‌ها با ابزارها و محیط‌شان، به منظور تحصیل کارایی و بازده بیشتر است. وبر سیر عقلانی شدن را در تمامی وجوه اصلی زندگی انسان تحلیل کرده (فروند، ۱۳۶۲: ۲۴-۲۵) و واقع‌گرایی، حسابگری، علم‌پاوری و نوآوری، را از نتایج عقلانیت دانسته است.

تجددطلبی و پیشرفت از ویژگی‌های اساسی گفتمان مسلط بر مشروطه است؛ اما بر تقلید و اقتباس از الگوهای غربی، تأکید زیادی وجود دارد. ملکم‌خان، ظاهراً علم و عقل را با دین سازگار می‌داند. نزد او، تخصص دارای اهمیت بوده و دین با ترقی و تحولات نوین خرد و دانش بشری سازگاری دارد. ملکم در پی آن است که برنامه‌های ترقی را به دست دو نهاد سنتی، یعنی سلطنت سیاسی و ولایت مذهبی پیش ببرد (محیط طباطبایی، ۱۳۲۷: ۱۹۶). اسلام حقیقی از نظر ملکم؛ «یعنی علم، یعنی عدالت... یعنی ترقی... اسلام یعنی قوانین ترقی و آدمیت، یعنی اجرای قوانین ترقی» (روزنامه قانون، نمره ۳۹، ص ۲).

در روزنامه قانون مقوله ترقی خواهی در ۳۷ شماره بین ۴ تا ۴۷ بار در هر شماره تکرار شده است. فقط یک شماره از روزنامه قانون فاقد ارزش ترقی و پیشرفت مشاهده شده است. جمع ارزش ترقی خواهی در تمام شماره‌های روزنامه ۵۲۴ بار است و این مقوله سومین رتبه را در گفتمان مسلط دارد.

۴. ارزش‌های دینی: منظور از ارزش‌های دینی، ارزش‌هایی است که ریشه در فرهنگ اسلامی و مذهب شیعه دارد.

بنای اندیشه‌های ملکم هرچند بر الگوهای غربی است، اما در مقوله ارزش‌های دینی - مطابق آنچه از روزنامه قانون استخراج شده - نتیجه جدیدی به دست آمده است. ملکم در

شماره‌هایی از روزنامه قانون، نفاق و منافقین را به‌مثابه ارزش ضددینی زیر سؤال می‌برد، حال آنکه خود، متهم به نفاق است (روزنامه قانون، نمره ۱۳، ص ۴). حتی منظور ملکم از آدمیت، یعنی کسی که به قوانین الهی عمل کند (روزنامه قانون، نمره ۱۰، ص ۴) است، در صورتی که مفهوم آدمیت او معادل اومانیسم غربی تلقی شده است. وی علمای دین را سرداران مجمع آدمیت یا سرداران حزب الله معرفی کرده است (روزنامه قانون، نمره ۲۱، ص ۴). وی از قدرت علمای شیعه آگاه بوده و برخی از آنان را تنها افرادی می‌داند که معنی نظم اروپا را فهمیده‌اند. ایثار و فداکاری از نظر ملکم، برای اجرا و حفظ قانون مجاز شمرده می‌شود (روزنامه قانون، نمره ۱، ص ۴). ملکم بر اصول و قوانین شریعت تأکید دارد و آن را با اصول قوانین سایر کشورها یکی می‌داند.

از نظر او، «قوانین خوب در این چند هزار سال به واسطه انبیاء و حکما به شروح کامل نوشته شده و به ترتیب صحیح جمع و حاضرند... اشکال کار در انتخاب قوانین نیست... محال است که قانون خود به خود اجرا شود» (روزنامه قانون، نمره ۱، ص ۳) دنیا با آزمون و خطا تدابیری خاص برای اجرای قوانین پیدا کرده است. او می‌افزاید: «ما نمی‌گوییم قانون پاریس یا قانون روس یا قانون هند را می‌خواهیم، اصول قوانین خوب همه جا یکی است، و اصول بهترین قوانین همان است که شریعت خدا به ما یاد می‌دهد» (روزنامه قانون، نمره ۱، ص ۳). «همه این مصائب ایران از عدم اجرای قوانین شریعت است و استخلاص مملکت ممکن نخواهد بود مگر به اجرای احکام الهی» (روزنامه قانون، نمره ۹، ص ۱). از نظر ملکم، «در مکتب اسلام قدرت وضع قانون مثل آفتاب روشن و فائق بر جمیع قوای دنیاست، زیرا که اصول قوانین را خدا و اولیای دین تماماً و کاملاً معین و مقرر فرموده‌اند» (روزنامه قانون، نمره ۲۴، ص ۲).

ملکم خان از مدت‌ها قبل مدعی شده بود که اصول فراموشخانه، مشابه اصول و مبانی دین اسلام است و برای این منظور، اصطلاحات و مفاهیم اسلامی به‌ویژه صوفیه را به کار می‌برد (الگار، ۱۳۶۹: ۴۲-۴۳). او تز نظارت مجتهدین جامع‌الشرایط را برای ترقی جامعه مطرح کرده است (محیط طباطبایی، ۱۳۲۷: ۱۹۶). ملکم می‌گوید: «خلق ایران غرق یک دریای مذلت است و راه رهایی این است که علما و فضلاء ما در یک مجلس شورای ملی جمع شوند و امور ملت را موافق اصول شریعت اسلام نظم دهند» (روزنامه قانون، نمره ۹، ص ۳).

تظاهر به اسلام توسط ملکم، عمدتاً از هنگامی نمود علنی یافت که جنبش تنباکو در ایران به اوج رسید، او علاوه بر سخنرانی‌ها و انتشار روزنامه قانون، تلاش کرد از طریق مکاتبه بنا سیدجمال‌الدین اسدآبادی و میرزا آقاخان کرمانی، فعالیت‌هایشان را در استفاده از وضعیت

به وجود آمده هماهنگ کند. کدی و حامدالگار مصداق‌هایی را برشمرده‌اند که - در سخنرانی‌های ملکم و در برخی از شماره‌های روزنامه قانون و رساله نوم یقطه - تاکتیک ملکم در تظاهر به اسلام را نشان می‌دهد. اما در تحقیق حاضر، یکی از مهم‌ترین ارزش‌های حاکم بر اندیشه ملکم ارزش‌های دینی و اسلامی به دست آمده است. ملکم در شماره هفتم روزنامه قانون (سال ۱۳۰۷ یا ۱۳۰۸ هجری قمری)، پیشنهاد مجلس شورا و گسترش انجمن آدمیت را داد. او پیشنهاد جمع شدن مجتهدان در مجلس شورای متشکل از ۷۰ فقیه کشور، در اطراف شاه را مطرح کرد. در جایی می‌نویسد: جوامع هر ولایت محکوم یک مجلسی هستند که آن را مجلس صدور ولایت و رئیس آنان را ولی ولایت می‌خوانند. اعضای این مجلس از معتبرترین قوم منتخب می‌شوند (روزنامه قانون، نمره ۲۵، ص ۳). او در طرفداری و اتحاد با علما، در مقابل استبداد ناصرالدین‌شاهی در روزنامه قانون از میرزای شیرازی به عنوان رئیس مخالفان و کسی که هدایت مبارزه را برعهده دارد یاد می‌کند و می‌نویسد: [اگر او هم از دنیا برود] فضلالی ملت جمع می‌شوند و موافق یک قانون شرعی از میان اولیای اسلام اعلم و افضل و اعدل را رئیس قرار می‌دهند در این حالت صورت مسئله تغییر نمی‌کند و روح مطلب مقرر می‌ماند (روزنامه قانون، نمره ۲۹، ص ۴). برخی از محققان، اسلام‌گرایی ملکم را متأثر از سیدجمال و نوشته‌های او دانسته‌اند. کدی می‌نویسد: (کدی، ۱۳۵۶: ۳۸-۳۹).

ملکم پذیرش اصلاحات اروپایی را با لفاقه اسلامی، امکان‌پذیر می‌داند و نه تطبیق آن بر اصول اسلامی. او در همان منبع پیشین درباره شایستگی علما برای رهبری اصلاحات می‌گوید: طی بیش از ۳۰ سال، من همواره در نوشته‌های سیاسی خود تلاش کردم که نشان دهم روح اسلام حقیقی با اصول تمدن حالیه و آتیه دنیا در نهایت هماهنگی است و این‌که اصلاح و تجدد ممالک اسلامی هرگز امکان‌پذیر نخواهد بود مگر به یاری قرآن. این روح آزادخواهانه اسلام را چه مرجعی باید تفسیر و تبیین کند؟ مرجع آن دسته از شیوخ درس خوانده و علمای ایران و کربلا [هستند] که به تازگی و برای نخستین بار گروه پیشرو ملی نیرومندی پدید آورده‌اند. [اشاره به میرزای شیرازی] و اکنون پیرومندان قانون عدالت را به وزرای حیرت‌زده تهران املا می‌کنند.

ملکم در شماره ۲۰ روزنامه قانون از میرزای شیرازی تقاضای صدور فتوایی برای تکفیر ستمگران، را دارد. او می‌داند که اعتبار و احترام لازم برای رهبری جنبش مردمی را نمی‌تواند به دست آورد؛ چراکه نگاهش به غرب بود و ورطه‌ای از عدم تفاهم میان او و افراد جامعه وجود داشت و علما و توده جامعه، به حکومت شریعت نظر داشتند لذا او نیز به زبان اسلام،

نظریه‌پردازی کرد. تناقض در افکار ملکم زمانی ظاهر می‌شود که روزنامه قانون پس از حمایت رهبری علما برای ترقی جامعه و غیر مشروع دانستن سلطنت ناصرالدین شاه، دوباره با روی کار آمدن مظفرالدین شاه، استدلال می‌کند که ایران نیازمند شاهی عادل و دولتخواه است (روزنامه قانون، نمره ۳۶، ص ۲). در تمامی شماره‌های روزنامه قانون ارزش دینی وجود دارد. این فراوانی از حداقل یک تا حداکثر سی و سه بار در هر شماره نوسان داشته است. در مجموع ۴۱۸ بار ارزش‌های مثبت درباره اسلام، شیعه، علما و روحانیت آمده است. این مقوله چهارمین رتبه را در اندیشه ملکم دارد.

۵. وحدت، اتحاد و اتفاق: منظور از وحدت و اتحاد، اقدام مشترک اعضای یک جامعه و توافق بر سر اهداف و اصول مشخص است (گولدوگولپ، ۱۳۷۶: ۲۲). منظور این نیست که هرکس خاصیت خودش را از دست بدهد و به دیگری تبدیل شود، بلکه به این معنا است که افراد متعدد جامعه، با سلیقه‌های گوناگون و خواسته‌های متفاوت، در زیر یک پرچم قرار گیرند. این مفهوم به عصبیت و نوعی انسجام اجتماعی نزدیک است.

از نظر ملکم‌خان، اتفاق و اتحاد در اجرای قانون و قانون‌خواهی معنی دارد و اتفاق مورد نیاز اتحاد در قانون‌طلبی است (روزنامه قانون، نمره ۱، ص ۳). البته از نظر وی اتحاد اسلامی نیز نوعی از اتحاد است (روزنامه قانون، نمره ۱۸، ص ۱). در ۳۱ شماره از روزنامه قانون مقوله اتحاد و مفاهیم مرتبط با آن، بین یک تا ۲۷ نوبت آمده است. در هفت شماره نیز چنین موضوعی مطرح نشده است. این ارزش در مجموع ۲۳۱ بار در شماره‌های مختلف تکرار شده و اولویت پنجم را در اندیشه ملکم دارد.

۶. غرب‌گرایی: ^۱ منظور از غرب‌گرایی، گرایش به آن دسته از ارزش‌هایی است که از درون فرهنگ غرب ریشه می‌گیرد و جنبه استعماری و مداخله‌گرایانه دارد. نه پیشرفت فن‌آوری و صنعتی غرب.

میرزا ملکم‌خان با شدت به فرهنگ غرب گرایش نشان داده و جوامع غیرمسلمان را الگو به حساب آورده است. او حتی در اواخر عمر محافظه‌کارتر شد و پس از ترور ناصرالدین شاه همکاری با حکومت ایران (مظفرالدین شاه) را آغاز کرد. او درباره مزایای ورود استعمارگران به ایران تبلیغ نمود و از بیگانگان می‌خواست تا برای آبادانی کشور به ایران بیایند و به حکم عدالت، بساط خرابکاری خرابکاران را برچینند (الگار، ۱۳۶۹: ۱۹۹-۲۰۰).

ملکم عقیده دارد، هم در تکنولوژی و اختراعات و هم در فلسفه سیاسی، اجتماعی،

1. westernism

اقتصادی، حقوقی، نظام مدیریت، حکومت و قانونگذاری، نباید از صفر شروع کرد و باید از دستاوردهای علمی و فرآورده‌های غرب اقتباس و تقلید نمود. او معتقد است، در بدو امر، نیروی متخصص و فنی را باید از خارج آورد و کارها را به آن‌ها سپرد (آدمیت، ۱۳۴۰: ۱۰۱-۱۵۰). البته او این تقلید را غیر از تقلید لباس و مظاهر تلقی می‌کند و جانب احتیاط و سازگاری تقلید شده‌ها را با فرهنگ دینی خواستار است.

غرب‌گرایی ملکم در نوشته‌های او در روزنامه قانون چندان شدید نیست و با علم‌گرایی او ارتباط دارد. از نظر او راه دستیابی به تمدن غربی «علم» یا به تعبیری آموزش جدید و راه اصلاح جامعه قانون‌گرایی است. این تحقیق نشان می‌دهد، با گذشت زمان تأکید ملکم بر ارزش‌های غربی کاهش پیدا کرده است. او به قدرت سنت‌های ایران واقف بود، از یک طرف به جهان بیرون (غرب) تمایل داشت و از طرف دیگر به جهان واقع یعنی سنت‌های اجتماعی توجه می‌کرد. در ۲۶ شماره از روزنامه قانون بین حداقل یک تا حداکثر ۱۸ بار غرب‌گرایی وجود دارد. در مجموع ۱۲۵ نوبت گرایش به غرب در شماره‌های روزنامه دیده شده است. این مقوله ششمین رتبه را در اندیشه ملکم‌خان دارد.

۷. عدالت و برابری: برابری و عدالت دو مفهوم نزدیک به هم و در عین حال، متفاوت از یکدیگرند. برابری افراد بشر در تمدن جدید، ابتدا به‌عنوان یکی از پیش فرض‌های اصلی دموکراسی مطرح گردید و بعدها به حوزه اقتصاد و سایر وجوه اجتماعی نیز راه یافت. در تعریف برابری، گاهی اوقات تفاوت‌های طبیعی افراد، از حیث توانایی جسمانی، هوش و... نادیده گرفته شده است (کلایمردی، ۱۳۵۶: ۱۳۰). اما برابری به‌عنوان ویژگی گفتمان مسلط روشنفکری به‌معنای برابری در مقابل قانون و در نظر گرفتن استحقاق‌های طبیعی انسان است که ناشی از برابری در آفرینش انسان می‌باشد. منظور از این مفهوم، برابری افراد در پاداش‌ها، نعمت‌ها و موهبت‌های اجتماعی نیست. چون این امر اولاً امکان‌پذیر نبوده و شاید هم ظلم و تجاوز باشد؛ چراکه افراد دارای قوای جسمانی و عقلانی برابر نیستند و با یکدیگر تفاوت دارند. بلکه قانون باید میان افراد تبعیض قائل نشود و استحقاق‌ها را رعایت کند (مطهری، ۱۳۷۳: ۲۳۱). زیرا هر فرد به‌عنوان یک واحد جامعه به‌شمار می‌رود و در برابر قانون با دیگر افراد برابر است. یعنی هر فرد به لحاظ انسان بودنش از حقوقی برخوردار است که حکومت و افراد جامعه باید آن را محترم بشمارند. به عبارت دیگر، احکام و قوانین نسبت به مصادیق هر موضوع و عنوانی، به تساوی اجرا شود (نائینی، ۱۳۶۰: ۷۲-۷۳).

در این بررسی، تمام ابعاد عدالت مورد نظر است؛ از جمله عدالت اجتماعی (حق رأی همگانی و فرصت‌های برابر برای تمام اقشار، طبقات و نژادها، عدالت اقتصادی که عدالت در

توزیع امکانات است، عدالت سیاسی و فرهنگی و عدالت قضایی و قانونی که به موضوع برابری یا مساوات برمی‌گردد. ملک‌خان سخت از تبعیض انتقاد کرده است. می‌نویسد: «اگر من هفت زبان هم بلد باشم. باز می‌بایستی نوکر یک احمق بی‌سواد باشم. حکومت ایالات حق اطفال پولدار است و در ایران در پانزده سالگی می‌توان سردار شد و بدون هیچ علم می‌توان حتی وزیر شد» (محیط طباطبایی، ۱۳۲۷: ۱-۱۷). در انتقاد از بی‌عدالتی می‌گوید: «اولیای ما صد تومان پیش‌کش می‌گیرند یکی از نوکرهای خود را امیر دیوانخانه قرار می‌دهند و بعد به این ملت می‌گویند اگر طلب و حقی دارید بروید به دیوانخانه» (روزنامه قانون، نمره ۱، ص ۴). ملک‌خان حداقل بر عدالت قانونی و برابری در پیش قانون بسیار تأکید کرده است. در روزنامه قانون ارزش عدالت در ۲۲ شماره از حداقل ۱ تا حداکثر ۲۴ بار تکرار شده است. فقط در ۴۲ درصد از این روزنامه ارزش عدالت وجود ندارد. مجموع تکرار ارزش عدالت در شماره‌های روزنامه ۸۴ بار است. این مقوله هفتمین اولویت را در اندیشه ملک‌خان دارا است.

۸. آزادی: آزادی مانند برخی دیگر از ارزش‌ها معانی مختلف و گاه متضادی دارد. آزادی با قیود مختلف که همراه آن ذکر می‌شود، آزادی در وجوه مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و هستی‌شناسی و انسان‌شناسانه و آزادی از تعلقات و زرق و برق‌های دنیوی را به ذهن متبادر می‌سازد. آزادی یکی از شاخص‌ها و پیش‌فرض‌های اساسی دموکراسی است که به لحاظ اهمیت آن و محسوب شدن به عنوان دستاورد مهم تمدن جدید غربی به‌طور جداگانه در روزنامه قانون تحلیل محتوا شده است. آزادی در شرایط، مکان‌ها و زمان‌های گوناگون متناسب با فرهنگ و سنن جوامع تعینات مختلفی دارد (فرهیخته، ۱۳۷۷: ۵۶).

منظور از آزادی در این تحقیق «استقلال و رهایی فرد از جلوگیری و ممانعت‌هایی است که به‌وسیله دیگر افراد، گروه‌ها، حکومت، جامعه و یا اوضاع محدودکننده وضع می‌شود (کلایمرودی، ۱۳۵۶: ۱۱۹). در واقع آزادی به معنای فقدان موانع در بهره‌مندی از حقوق است. ملک‌خان آزادی بیان و قلم را نشان دموکراسی و ملازم قانون می‌داند (محیط طباطبایی، ۱۳۲۷: ۱-۱۷). از نظر او حد آزادی این است که آزادی هیچ‌کس، به حق هیچ‌کس خللی وارد نکند (محیط طباطبایی، ۱۳۲۷: ۲۰۶-۲۰۷). گرچه در جایی امر به معروف و نهی از منکر را معادل آزادی آورده اما در جایی عقیده دارد که آزادی خیال همان آزادی اندیشه است و هر اندیشه‌ای برای کشف حقایق، باید آزاد باشد و مقید کردن خیال را مانع ترقی و مانع به‌کار افتادن عقل می‌داند. از این‌رو به نظر می‌رسد آزادی موردنظر او به تعریف لیبرالیستی آزادی نزدیک‌تر است. متوسط مضامین و شاخص‌های آزادی‌خواهی در گفتمان مسلط بر انقلاب مشروطه حدود ۲ است. نتایج تحلیل محتوا نشان می‌دهد در نیمی از شماره‌های روزنامه قانون درباره آزادی

ارزش‌هایی وجود دارد. آزادی‌خواهی در رتبه هشتم ارزش‌های گفتمان ملوک‌مخاران قرار دارد.

۹. استقلال: منظور از استقلال، آزادی عمل دولت و جامعه در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی داخلی و خارجی است. در مفهوم استقلال خودمختاری و بی‌نیازی (خوداتکایی) و داشتن حکومت مستقل مورد توجه است.

میرزا ملکم خان علی‌رغم این‌که به ارزش‌های غربی گرایش دارد، اظهار می‌کند: «از برای اجرای این مقولات پاک [استقرار اصول آدمیت و اجرای قوانین عدل الهی] اصلاً لازم نمی‌دانیم که رجوع به قوانین خارجه نماییم.» (روزنامه قانون، نمره ۱۷، ص ۱) و در جای دیگری اعطای امتیازات اقتصادی را خیانت تلقی کرده است (روزنامه قانون، مقدمه ناشر). هرچند ملوک‌مخاران روزنامه قانون ابعادی از استقلال را مورد توجه قرار داده، اما اگر به آثار دیگر وی رجوع شود، در مجموع اصل استقلال نزد او خدشه‌دار است، و به اقتباس از غرب بیش از استقلال توجه داشته است.

در بیست شماره روزنامه قانون حداقل یک و حداکثر ۶ بار، مضمون و موضوع استقلال در ابعاد مختلف مطرح شده است. در ۴۸ درصد از شماره‌های روزنامه قانون، اصلاً ویژگی استقلال مشاهده نشده است. متغیر استقلال پایین‌ترین رتبه را در اندیشه ملوک‌مخاران دارد. مجموع فراوانی استقلال‌خواهی در اندیشه ملوک‌مخاران ۲۶ بار است.

در این گفتمان استقلال بسیار کم مورد تأکید قرار گرفته و برعکس، رگه‌هایی از وابستگی، خصوصاً وابستگی علمی، فنی و اقتصادی به چشم می‌خورد. اشاره نامنظم ملوک‌مخاران به استقلال به مقاطعی اختصاص دارد که او با علما علیه شاه در یک جبهه قرار می‌گرفته است.

خلاصه و نتیجه‌گیری

میان ارزش‌های گفتمان مسلط بر انقلاب مشروطه (روزنامه قانون) در سطح فاصله‌ای در چهار محور همبستگی وجود دارد:

- (۱) ارزش‌های «ضد استبدادی» با سطح خطای ۵ درصد با ارزش‌های آزادی‌خواهانه و سطح خطای ۲ درصد با ارزش‌های دموکراسی‌خواهانه همبستگی مثبت دارند.
- (۲) میان دو ویژگی استقلال‌طلبی و ارزش‌های دینی با سطح خطای ۵ درصد همبستگی مثبت وجود دارد.
- (۳) با صد درصد اطمینان میان مقوله «عدالت» و مقوله «ترقی و پیشرفت» همبستگی وجود دارد. از سوی دیگر در سطح خطای ۲ درصد، میان مقوله «غرب‌گرایی» و مقوله «عدالت» همبستگی مستقیم وجود دارد.

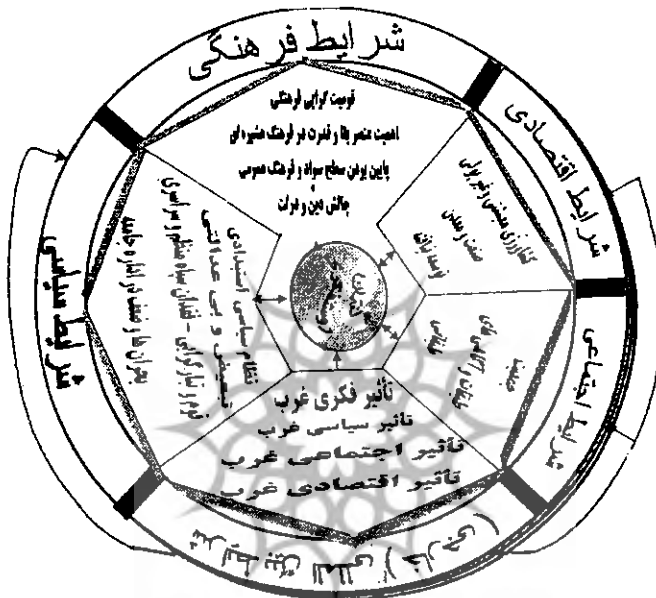
(۴) میان سابقهٔ پیام با مقولهٔ آزادی در گفتمان مسلط بر انقلاب مشروطه همبستگی وجود دارد. با ۹۹ درصد اطمینان ۰/۵۲ تغییرات ارزش‌های آزادی‌خواهانه، به تغییرات سنوات انتشار روزنامهٔ قانون وابستگی دارد. با افزایش سنوات تأکید بر ارزش‌های آزادی‌خواهانه کمتر شده است.

میان ارزش‌های گفتمان مسلط در سطح ترتیبی در دو محور همبستگی وجود دارد:

- (۱) با صد درصد اطمینان ارزش‌های دموکراسی‌خواهانه با سنوات انتشار روزنامهٔ قانون همبستگی دارند. ضریب همبستگی پیرسون ۰/۴۸ به دست آمده که نشان می‌دهد مقولهٔ دموکراسی خواهی در اثر مرور زمان به شدت کاهش پیدا کرده است.
- (۲) تأکید بر مقوله وحدت، اتحاد و اتفاق نیز با گذشت زمان در اندیشهٔ میرزاملکم‌خان کاهش یافته است. ضریب پیرسون برای سنجش همبستگی ۰/۳۰ به دست آمده که علامت منفی گویای این مسئله است که با گذشت زمان ویژگی اتحاد و اتفاق در اندیشه ملکم کمتر مورد تأکید قرار داشته است.

ویژگی‌های گفتمان مسلط عناصری هستند که متأثر از شرایط داخلی و خارجی جامعه ساخته و پرداخته شده‌اند. اما گفتمان روشنفکری انقلاب مشروطه با نظام بین‌المللی تعامل بیشتری داشت. تحقیق نشان می‌دهد با وجود گفتمان‌های دینی که در آن‌ها عناصر استبداد و استعمار به شدت مورد انتقاد قرار گرفته، پیامدهای انقلاب با دستاوردهای ناشی از رنسانس و تجدد در غرب هماهنگی بیشتری دارد. مشروطهٔ غربی به‌عنوان مهم‌ترین دستاورد انقلاب و تشکیل مجلس شورای ملی، بعدی حیاتی برای رهایی جامعه از خطر زوال و عقب‌ماندگی و ایجاد کشوری نوین، نیرومند و پیشرفته تلقی شده است. مشروطه ریشه در اندیشه‌های فلسفی و جنبش‌ها و مناقشات غرب داشت. آزادی، پیشرفت‌های اجتماعی، رفاه اقتصادی، استقلال و اعتبار ملی و حاکمیت قانون به سبک غرب برای علمای دینی ناشناخته بود. آرمان عدالت‌خواهی علما ذیل مطالبات کلان مشروطه‌خواهی روشنفکران غرب‌گرا می‌گنجید. از این رو علما نیز در نهایت با گفتمان مسلط روشنفکری همگام شدند و در نهایت مشروطه را راهی برای نجات کشور از طریق اصلاحات سیاسی، اقتصادی و کسب استقلال ملی و تمامیت ارضی تلقی کردند.

الگوی روابط میان شرایط داخلی و خارجی جامعه با گفتمان مسلط روشنفکری را در ذیل ملاحظه کنید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
منابع

آبراهامیان، پرواند (۱۳۷۷). ایران بین دو انقلاب: از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ترجمه کاظم فیروزمند و دیگران، تهران: نشر مرکز.

_____ (۱۳۷۶). مقالاتی در جامعه‌شناسی ایران، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران: نشر شیرازه.

آشتیانی، علی (۱۳۶۷). «جامعه‌شناسی سه دوره تاریخ روشنفکری ایران معاصر»، فصلنامه کنکاش، دفتر دوم و سوم.

آدمیت، فریدون (۱۳۳۵). *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران*، انتشارات پیام.

_____ (۱۳۴۹). *اندیشه میرزا فتحعلی آخوندزاده*، تهران: انتشارات خوارزمی.

_____ (۱۳۵۴). *اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سیهسالار*، تهران: انتشارات خوارزمی.

_____ (۱۳۴۰). *فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت*، تهران: انتشارات سخن.

_____ و هما، ناطق. (۱۳۵۶). *افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر شده دوره قاجار*، تهران: انتشارات آگاه.

آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۰). *مدرنیته ایرانی، روشنفکران و پارادایم فکری عقب‌ماندگی در ایران*، تهران: نشر اجتماع.

ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۷۶). *میانی سیاست، جلد نخست*، تهران: انتشارات توس، چاپ هفتم.

اچ. لاور، رابرت (۱۳۷۳). *دیدگاه‌هایی درباره دگرگونی اجتماعی*، ترجمه کاووس سیدامامی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- اشرف، احمد (۱۳۵۹). *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران*، دوره قاجاریه، تهران: انتشارات زمینه.
- الگار، حامد (۱۳۶۹). *پژوهشی در باب تجدّدخواهی ایرانیان*، «میرزاملکم‌خان»، ترجمه جهانگیر عظیمی و معجد تفرشی، تهران: انتشارات مدّرس و شرکت سهامی انتشار.
- بریتون، کرین (۱۳۷۶). *کالبدشکافی چهار انقلاب*، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ ششم، تهران: نشر سیمرغ.
- بشیری، حسین (۱۳۷۸). *سیری در نظریه‌های جدید در علوم سیاسی*، تهران: مؤسسه نشر علوم نوین.
- بهنام، جمشید (۱۳۷۵). *ایرانیان و اندیشه تجدّد*، تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.
- بیرو، آلن (۱۳۶۶). *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
- بی‌مؤلف (۱۳۷۱). *سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج*، ترجمه عباس منبخر، تهران: انتشارات طرح نو.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی دینی*، تهران: انتشارات سخن.
- _____ (۱۳۷۹). *روشنفکری و اندیشه دینی: رهیافتی جامعه‌شناختی به آثار و اندیشه دکتر علی شریعتی* (مجموعه مقالات)، تهران: نشر قلم.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۵۸). *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، ج ۳، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حاتی، عبدالهادی (۱۳۶۴). *تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق*، تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۶۷). *نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با تمدن غرب*، تهران: امیرکبیر.
- حجاریان، سعید (۱۳۷۶). «گونه‌شناسی جریان‌های روشنفکری در ایران معاصر»، *نامه پژوهش*، وزارت ارشاد، سال دوم، شماره هفت.
- دلاور، علی (۱۳۷۶). *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*، تهران: انتشارات رشد، چاپ دوم.
- راوندی، مرتضی (۱۳۳۶). *تاریخ اجتماعی ایران*، ج ۸، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- رحیم‌پور ازغدی، حسن (۱۳۸۰). «پیشینه اصلاح‌طلبی لیبرال در ایران»، *روزنامه جوان*.
- زیباکلام، صادق (۱۳۷۷). *سنت و مدرنیسم*، ریشدیابی علل شکست کوشش‌های اصلاح‌طلبانه و نوسازی سیاسی در ایران عصر قاجار، تهران: انتشارات روزنه.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۷۷). «آفات متدلوژیک تفکر در ایران»، *ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، سال سیزدهم، شماره اول و دوم، مهر و آبان، شماره ۱۳۳-۱۳۴.
- طباطبایی، جواد (۱۳۷۷). *زوال اندیشه سیاسی در ایران*، تهران: انتشارات کویر، چاپ هفتم.
- عظیمی، حسین (۱۳۷۸). *ایران امروز در آینه مباحث توسعه*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۷۷). *دین و جامعه*، مجموعه مقالات، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- _____ (۱۳۷۷). *سرآغاز نوآندیشی معاصر، دینی و غیردینی*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم.
- فروند، ژولین (۱۳۶۲). *جامعه‌شناسی ماکس وبر*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نشر نیکان.
- فرهیخته، شمس‌الدین (۱۳۷۷). *فرهنگ فرهیخته*، واژه‌ها و اصطلاحات سیاسی، حقوقی، تهران: انتشارات زرین.
- فوران، جان (۱۳۷۷). *مقاومت‌شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی*، ترجمه احمد تدین، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- قادری، حاتم (۱۳۷۸). *اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران*، تهران: انتشارات سمت.

کدی. نیکی آر (۱۳۷۵). *ریشه‌های انقلاب ایران*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.

_____ (۱۳۵۶). *تحریم تنباکو در ایران*، ترجمه شاهرخ قائم مقامی، تهران.

کسروی، احمد (۱۳۶۵). *تاریخ مشروطه ایران*، تهران: انتشارات امیرکبیر.

_____ (۱۳۴۸). *دین و سیاست*، تهران.

کلایمرودی، کارلتون (۱۳۵۶). *آشنایی با علم سیاست*، ج ۱، ترجمه بهرام ملکوتی، تهران: انتشارات سیمرخ.

گولند، جولیس، ویلیام. ل. کولب (۱۳۷۶). *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه گروه مترجمین، ویراستار، محمدجواد زاهدی مازندرانی، تهران: انتشارات مازیار.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی عمومی*، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نشر نی.

محیط طباطبایی، سیدمحمد (۱۳۷۳). *مجموعه آثار میرزا ملکم خان*، تهران: انتشارات علمی.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۳). *اسلام و مقتضیات زمان*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

ملک‌زاده، مهدی (۱۳۲۸). *تاریخ انقلاب مشروطه*، جلد ۵، تهران: نشر ابن‌سینا.

ملکم‌خان، میرزا (۱۳۵۵). *روزنامه قانون*، به کوشش هما ناطق، تهران: انتشارات امیرکبیر.

_____ (۱۳۶۱). *روزنامه قانون*، تهران: انتشارات کویر.

نائینی، شیخ محمدحسین (۱۳۶۰). *تنبیه‌الامه و تنزیه‌الملة، یا حکومت از نظر اسلام*، به کوشش: سید محمود طالقانی، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ هفتم.

Shils, Edward (1968). "Intellectuals" *International Encyclopedia of The Social Scinces*.

Volumes 7 and 8, Macmilan, London.

Craner, Duncan (1994). *Introducing Statistics for Social Research*. London and New york: Routledge.

حسن سرایی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی است. از وی کتاب‌ها و مقالات متعددی از جمله کتاب *مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری و رگرسیون چند متغیره* به چاپ رسیده است. علایق پژوهشی وی در زمینه روش تحقیق، جمعیت و جامعه‌شناسی خانواده است.

نوروز هاشم‌زهی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد است. از وی تاکنون یک کتاب با عنوان *بررسی حرکت‌های دانشجویی در ایران تا سال ۱۳۷۷ ه. ش.* و دو مقاله در مجلات داخلی به چاپ رسیده است. علایق پژوهشی او در زمینه‌های جامعه‌شناسی سیاسی، تاریخی و توسعه می‌باشد.